

الاخبار:

ایران از دکترین دفاعی به حمله پیش‌دستانه روی آورد

روزنامه لبنانی الاخبار نوشت: ایران از موضع دفاعی به تحمیل معادلات بازدارندگی تهاجمی تغییر رویکرد داده است. روزنامه لبنانی الاخبار در گزارشی نوشت: ایران در دور اخیر درگیری‌ها با رژیم اسرائیل، از موضع دفاعی به تحمیل معادلات بازدارندگی تهاجمی تغییر رویکرد داده است. الاخبار در این گزارش نوشت: ایران دکتترین امنیتی‌اش را تغییر داده است؛ تهران اکنون به دنبال اعمال اراده خود از طریق استفاده از قدرت نظامی (یا تهدید به آن)، نه فقط به عنوان ابزار دفاعی، بلکه برای پیشبرد منافع...

راه مردم

روزنامه صبح ایران

صفحه ۲

بدرقه و تشییع پیکر
مطهر قائد شهید
بعد از دهه اول محرم
انجام می‌گیرد



صفحه ۵

اینترنت، برگ برنده دولت
در برابر صداوسیما

رابطه پاستور و جام‌جم وارد مرحله تازه‌ای شده است. انتقادهای تند رئیس‌جمهور از صداوسیما، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا وقت عبور دولت از راهبرد مدارا با رسانه ملی و بازتعریف آرایش رسانه‌های خود نرسیده است؟ توییت اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، پالس‌های روشنی از یک تغییر فاز در روابط پاستور و جام‌جم را به همراه داشت. او صراحتاً نوشت: «همکاران ما در دولت همواره مراقب بوده‌اند آرامش روانی جامعه مورد تهدید قرار نگیرد و تأکید من بر حفظ وحدت و تحمل تفاوت‌هاست، اما وقتی صداوسیما و برخی فعالان رسانه‌ای در شرایط جنگی لبه‌نقدهای غیرمنصفانه را به سمت دولت بگیرند، مجبور خواهیم بود پاسخ درخور بدهیم؛ این به صلاح کشور نیست.» این موضع‌گیری تند و بی‌سابقه، نشان‌دهنده لبریز شدن کاسه صبر دولتی است که با شعار «وفاق ملی» روی کار آمد، اما از همان روز نخست با خنجرهای آخته رسانه‌ای از سوی جریانی خاص روبه‌رو شد. واقعیت این است که مواضع اخیر پزشکیان، چه در فضای مجازی و چه در جلسات رسمی مانند شورای هماهنگی اقتصادی دولت که صراحتاً گفت: «صداوسیما هر روز شعار می‌دهد، اما باید واقعیت را بگوید»، حاکی از یک واقع‌بینی دیر هنگام است؛ واقعیتی که می‌گوید «رسانه ملی» مدت‌هاست به باشگاه اختصاصی یک جریان سیاسی خاص تبدیل شده و قرار نیست چتر حمایت خود را روی سر دولت بکشد. سازمان صداوسیما مدت‌هاست از تعریف قانونی و ساختاری خود به عنوان یک «رسانه ملی» فاصله گرفته است. نگاهی به برنامه‌های سیاسی، پلتفرم‌های تحلیلی...

صفحه ۲

آژانس و بمران
فودسافته نظارت بر
برنامه هسته‌ای ایران



صفحه ۴

تملیل شوک منگ و بازگشت سبز
به کانال ۴.۵ میلیون و آمد
رفت و برگشت
برق آسای بورس



صفحه ۴

پیش‌بینی تکان دهنده از مهش
۱۳۲ درصدی دلار ظرف ۶ ماه آینده
دلار به ۲۳۵ هزار تومان
می‌رسد؟



عشاق مذاکره و توافق با آمریکای دونالد ترامپ، مجدداً در صدد تفکیک اسرائیل و آمریکا هستند؛ باید بررسی کرد که دونالد ترامپ تا کنون چندبار ادعا کرده که توافق با ایران نزدیک است و این ادعا می‌تواند چه نسبتی با تولید یک غافلگیری عملیاتی دیگر، همچون دفعات گذشته، در میدان نبرد داشته باشد

توهم توئیت ترامپ



صفحه ۳

قالیاف در چهارمین پیام صوتی خطاب به مردم عزیز ایران:

هدف ما پایان جنگ و ایجاد امنیت پایدار است، نه عادی‌سازی روابط با آمریکا

صفحه ۲



سخنگوی دولت ابعاد دستور رئیس‌جمهور را مشخص کرد؛

یافتن منبع پایدار برای افزایش رقم کالا بر گ!

سخنگوی دولت از دستور رییس‌جمهور برای یافتن منبع پایدار افزایش رقم کالا بر گ خبر داد.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت صبح امروز، سه‌شنبه، در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، طی سخنانی ضمن گرامیداشت یاد شهدای ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در سال‌روز آغاز جنگ تحمیلی دوم، بیان کرد: در یک سال گذشته شاهد بودیم که نیروهای مسلح با اقتدار عزت ملی را زنده کردند و با وحدت توانستیم مقابل دشمن، ایستادگی داشته باشیم، این مقاومت یعنی با وحدت می‌توان مشکلات را حل کرد.

وی در ادامه درخصوص فرارسیدن هفته محیط زیست، اظهار داشت: به فعالان این عرصه خداقوت می‌گوییم و حدود ۱۲ میلیون مترمکعب کاهش فلرسوزی را داشتیم که این کار به پیگیری دستگاه محیط زیست کلید خورد، هم‌چنین پیگیری قانونی هوای پاک در این حوزه دنبال می‌شود.

سخنگوی دولت در ادامه سخنان خود، درباره عملکرد وزارت تعاون خاطر نشان کرد: وزیر کار دستور اجرای افزایش حقوق کارگران را صادر کرد و احکام بازنشستگان نیز صادر شده است.

مهاجرانی در بخش دیگری از سخنان خود از مردم عزیزمان که بیش از ۱۰۰ شب است در خیابان حضور دارند، قدردانی کرد.

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص برنامه دولت درخصوص افزایش رقم کالا بر گ الکترونیکی گفت: دولت علاقه‌مند به افزایش نرخ کالا بر گ است ولی اگر منبع پایدار در نظر گرفته نشود، اجرای طرح به اشکال می‌خورد.

کاهش یابد و بهینه شود تا بتوانیم بهتر وضعیت را سپری کنیم. اقداماتی متعدد در این زمینه در حال انجام است و با پُرمصرف‌ها برخورد خواهد شد. توزیع صحیح انرژی با جدیت در حال انجام است. امیدواریم با همکاری مردم حداقل خاموشی‌ها را داشته باشیم.

مهاجرانی در پاسخ به سؤالی درخصوص تدابیر دولت در زمینه مهار گرانی دارو و خصوصاً داروهای بیماران خاص، خاطر نشان کرد: دولت در این زمینه تکلیف دارد و باید نظام درمان را اصلاح کند. جنگ فقط به زیرساخت‌های صنعت و فولاد آسیب نزد و شرکت‌های دارویی مورد آسیب قرار گرفت. وزارت بهداشت ۴ راهکار از جمله واردات سریع و هوشمند دارو، اصلاح نظامی قیمت‌گذاری، ارتقای سطح پوشش بیمه و تقویت تولید داخل را در این زمینه با قدرت دنبال می‌کند.

وی در پاسخ به سؤالی درخصوص ماجرای دریافت پول‌های بلوکه‌شده ایران در جریان مذاکرات و هم‌چنین برخی اخبار پراکنده مبنی بر بعضی جابه‌جایی‌ها در این زمینه، گفت: هرگونه انتقال منابع ارزی که انجام بگیرد با اطلاع بخش‌های مربوطه خواهد بود، ضمناً باید بگوییم که ما درباره منابع ملی‌مان کوتاه نمی‌آییم و از ابزار دفاع و دیپلماسی در این راستا استفاده خواهیم کرد.

سخنگوی دولت در ادامه درباره تبادل آتش اخیر بین ایران و رژیم صهیونی که در عملیات نصر صورت گرفت، اظهار داشت: ایران و لبنان نیابتی یکدیگر نیستند ولی دشمن مشترکی دارند. همان‌طور که رهبر شهید انقلاب فرمودند، دشمن با ما دشمنی تمدنی دارد. مسیر دیپلماسی و قدرت دفاعی درخدمت استیفای حقوق مردم هست و خواهد بود. ما تمام توان خود را برای این کار استفاده می‌کنیم؛ برای تیم دیپلماسی که آگاه به میدان هستند، از جمله آقای قالیباف که فرمانده جنگ بوده است و آقای عراقچی فرمانده دیپلماسی است آرزوی توفیق داریم و برای کسانی که با قدرت پای لاتجر می‌روند و قدرت را به دنیا نشان می‌دهند، آرزوی سلامت داریم.

مهاجرانی در پاسخی درباره وضعیت اینترنت کشور گفت: دولت بسر این باور است که باید منویات رهبری شهید انقلاب و مقام معظم رهبری درخصوص فضای مجازی – به‌عنوان بخشی حقیقی از زیست مردم از طریق حکمرانی صحیح – به مرحله اجرا در آید. موضوع اصلی در این فضا، همان حکمرانی است؛ لذا بر اساس تصمیمات اتخاذشده توسط ستاد و جمع‌بندی‌های صورت‌گرفته، اینترنت در حال بازگشت است و به‌تدریج محدودیت‌ها برداشته می‌شود، برخی مشکلات فنی وجود دارد که امیدواریم به‌سرعت برطرف شود و به وضعیت پیشین بازگردیم.وی در بخش دیگری از سخنان خود درخصوص عدم‌اجرای کامل مصوبه مسکن مهر، گفت: اجرای کامل این مصوبه به دو دلیل «فرآیند درخواست متقاضیان» و همچنین «مشکلات حقوقی و استعلامات ملکی» با چالش‌هایی روبه‌روست که منجر به تأخیر در برخی مناطق شده است. واگذاری عرصه به‌صورت قانونی، نیازمند درخواست رسمی از سوی متقاضیان است؛ دولت نمی‌تواند به‌صورت اجباری این واگذاری را انجام دهد و فرد متقاضی باید ابتدا درخواست خود را ارائه کند. فرایند انتقال ملک نیازمند طی مراحل قانونی دقیقی است، از جمله اخذ استعلامات لازم از مراجع ذی‌ربط مانند اداره ثبت اسناد و املاک و همچنین شهرداری‌ها برای دریافت پایان‌کار.سخنگوی دولت ادامه داد: هرگونه نقص یا عدم‌تکمیل این استعلامات، منجر به تعلل در فرایند انتقال مالکیت خواهد شد، این موارد به‌عنوان گلوگاه‌هایی در فرایند انتقال، نیازمند دقت و پیگیری کامل هستند. دولت برای رفع مشکلات مسکن مهر، اقداماتی صورت داده است از جمله اینکه وزارتخانه‌های مربوطه، از جمله وزارت راه و شهرسازی، پیگیری جدی را برای تحقق این امر و حل مشکلات طرح مسکن مهر در دستور کار دارند.

آژانس و بحران خودساخته نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران



کمک کرد؛ فشاری که در نهایت در ۲۳ خرداد سال گذشته با حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای کشورمان وارد مرحله‌ای جدید شد. اکنون آژانس در شرایطی از محدود شدن توان راستی‌آزمایی سخن می‌گوید که بخش مهمی از زیرساخت‌های نظارتی پیشین در نتیجه همان تحولات از بین رفته است. نکته قابل توجه در گزارش اخیر گروهی آن است که برخلاف برخی فضاسازی‌های سیاسی، آژانس ادعایی درباره انحراف برنامه هسته‌ای ایران به سمت اهداف نظامی مطرح نکرده است. آنچه در متن گزارش برجسته شده، ناتوانی این نهاد در تأیید کامل وضعیت کنونی برخی فعالیت‌ها به دلیل فقدان دسترسی‌های لازم است.

این تفاوت از منظر حقوقی و فنی اهمیت زیادی دارد. زیرا میان «اثبات انحراف» و «ناتوانی در راستی‌آزمایی» فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد. در واقع، گزارش اخیر بیش از آنکه حاوی یافته‌های جدید درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران باشد، بازتاب‌دهنده محدودیت‌های فعلی آژانس در انجام مأموریت نظارتی خود است. در جریان نشست شورای حکام، برخی کشورهای غربی بار دیگر از احتمال تصویب قطعنامه علیه ایران سخن گفته‌اند. اما تجربه

نظارت و راستی‌آزمایی را نیز مختل ساخت.

«اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در جریان نشست خبری با اشاره به همین موضوع تأکید کرده است که اگر آژانس نگران از دست رفتن بیوستگی دانش درباره برنامه هسته‌ای ایران است، باید عاملان ایجاد این وضعیت را مورد بازخواست قرار دهد. ایران برای هر پیشامدی آماده است و پاسخ مقتضی را در نظر دارد اما کسی که نامزد انتخاب به عنوان دبیرکل سازمان ملل است، باید در رفتار و اعلام مواضع و انجام وظیفه به عنوان مسئول یک نهاد مهم بین‌المللی، یعنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسئولانه عمل کند.

از منظر تهران، نمی‌توان حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز یک کشور عضو معاهده عدم اشاعه را نادیده گرفت و سپس پیامدهای ناشی از آن را به عنوان نشانه‌ای از عدم شفافیت همان کشور مطرح کرد.

این انتقاد زمانی پررنگ‌تر می‌شود که عملکرد آژانس در قبال موارد مشابه در دیگر نقاط جهان مورد مقایسه قرار گیرد. مقامات ایرانی معتقدند واکنش مدیرکل آژانس نسبت به حملات صورت‌گرفته علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، با استانداردهای معمول ایسن نهاد همخوانی نداشته و همین مسئله شائبه سیاسی شدن رویکرد آژانس را تقویت کرده است.

مرور تحولات یک سال گذشته نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران وارد چرخه‌ای شده که نتیجه آن کاهش سطح همکاری‌های فنی و افزایش بی‌اعتمادی متقابل بوده است. در خرداد سال گذشته، گزارش مدیرکل آژانس با وجود اذعان به نبود شواهدی دال بر حرکت ایران به سمت تولید سلاح هسته‌ای، بر موضوع مکان‌های اعلام‌نشده و ضرورت پاسخگویی بیشتر تهران تمرکز داشت.

همین فضای سیاسی و رسانه‌ای، به بسترسازی برای افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران

بدرقه و تشییع پیکر مطهر قائد شهید بعد از دهه اول محرم انجام می‌گیرد



اطلاعیه شماره ۲ ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید امام خامنه‌ای منتشر شد.

اطلاعیه شماره ۲ ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه منتشر شد.

متن اطلاعیه به‌شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرّحیم

بسا توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ی انجام‌شده برای برگزاری باشکوه مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه و شهدای خانواده‌ی رهبر انقلاب اسلامی، به‌اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشرشده در فضای رسانه‌ای داخل و خارج کشور درخصوص زمان و جزئیات مراسم مذکور که موجب ابهام بسیاری از علاقه‌مندان به حضور در این رویداد عظیم شده، فاقد اعتبار است.

بسا عنایت به سیره‌ی رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف در اقامه‌ی عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابدی‌الله‌الحسین علیه‌السلام و اهمیت برپایی عزاداری‌های این ایام در اقصی نقاط ایران و جهان؛ مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه‌ی دوران بعد از دهه‌ی اول محرم و هم‌هنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد.

جزئیات این مراسم، متعاقباً در فاصله‌ی زمانی مناسب توسط این ستاد اعلام خواهد شد.

دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب اسلامی
۱۹ خرداد ۱۴۰۵

منابع صهیونیست تحلیل کردند؛

شکست راهبردی اسرائیل و «حرف آخر ایران» در حملات اخیر

منابع رسانه‌ای رژیم صهیونیستی توقف تنش بین این رژیم و ایران را یک شکست راهبردی برای اسرائیل توصیف و تأکید کردند که ایران حرف آخر را زد و تل آویو نتوانست آمریکا را به جنگ بکشاند.

رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش‌ها و تحلیل‌های متعددی در خصوص ابعاد شکست راهبردی این رژیم در دور جدید حملات موشکی ایران علیه سرزمین‌های اشغالی در واکنش به نقض تعهدات مربوط به آتش بس در لبنان منتشر کردند.

روزنبن برگمن، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی – نظامی روزنامه صهیونیستی یدبعوت احرونوت، در تحلیلی نوشت محاسبات بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل ظاهراً بر ایجاد روندی از تشدید تنش استوار بود؛ روندی که آمریکا را به رویارویی وارد کند و به رژیم صهیونیستی اجازه دهد آنچه را در دور پیشین تقابل با ایران ناتمام مانده بود، تکمیل کند.

به نوشته برگمن، برآورد تل‌آویو احتمالاً این بود که چند روز درگیری شدید، حتی اگر توسط اسرائیل آغاز شود، در نهایت آمریکا را وارد میدان خواهد کرد؛ اما این سناریو نه تنها محقق نشد، بلکه نتیجه‌ای معکوس داشت.

وی افزود دونالد ترامپ نه تنها وارد جنگ نشد، بلکه رژیم صهیونیستی را نیز متوقف کرد و وضعیتی شکل گرفت که در آن تل آویو متوقف شد و ایران آخرین تیر را شلیک کرد.

برگمن با اشاره به اینکه «این ایرانی‌ها بودند که حرف آخر را زدند، نه ما»، افزود: ایمن ایران بود که تعیین کرد جنگ چه زمانی متوقف شود و تعداد شلیک‌ها و محل شلیک‌ها چگونه باشد. از منظر شناختی و استراتژیک، این یک نتیجه بسیار دردناک برای اسرائیل است، زیرا به ایران اجازه می‌دهد خود را به گونه‌ای به تصویر بکشد که پاسخ داده، عقب‌نشینی نکرده و تبادل آتش را با شرایط خود به پایان رسانده است.

این تحلیلگر صهیونیست تأکید کرد اگر ترامپ، همانگونه که در تماس تلفنی اخیر خود با نتانیاهو گفته، واقعا به سمت امرای توافقی با ایران حرکت کند، این موضوع برای تل آویو تحولی نامطلوب است و به هیچ وجه یک دستاورد راهبردی نخواهد بود.

برگمن تصریح کرد که رژیم اسرائیل در جنگ افروزی مجدد، کشتاندن آمریکا به رویارویی گسترده‌تر و تثبیت برتری خود ناکام ماند و اکنون ممکن است در برابر توافقی آمریکایی – ایرانی قرار گیرد که با آن مخالف است.

وی ایسن وضعیت را نه یک خطای تاکتیکی، بلکه شرمساری راهبردی توصیف کرد و نوشت کمتر از ۲۴ ساعت کافی بود تا محدودیت‌های قدرت تل آویو و عمق وابستگی آن به آمریکا و شکاف میان تمایل تل آویو به تشدید تنش و عدم آمادگی واشنگتن برای جنگ گسترده آشکار شود.

از سوی دیگر شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد که تلاش تل آویو برای جداسازی بین جبهه ایران و حزب الله با مشکلات عدیده ای مواجه شده است و اتفاقاتی که رخ داده است، بنا به دستور ترامپ بوده است. روزنامه عبری زبان «اسرائیل هیوم» نیز گزارش داد که سرکردگان رژیم صهیونیستی از وضعیت جدید ایجاد شده به شدت سرخورده و نگران هستند.

به نوشته این روزنامه، ایران موفق شده معادله‌ای رابر رژیم صهیونیستی تمحیل کند که تل‌آویو قادر به کنار آمدن با آن نیست؛ معادله‌ای که بر اساس آن، هرگونه حمله اسرائیل به خلیج جنوبی بیروت می‌تواند با شلیک موشک از سوی ایران و احتمالاً از یمن همراه شود.

الاحبار:

ایران از دکت‌رین دفاعی به حمله پیش‌دستانه‌روی آورد



روزنامه لبنانی الاخبار نوشت: ایران از موضع دفاعی به تحمیل معادلات بازدارندگی ته‌اجمی تغییر رویکرد داده است.

روزنامه لبنانی الاخبار در گزارشی نوشت : ایران در دور اخیر درگیری‌ها با رژیم اسرائیل، از موضع دفاعی به تحمیل معادلات بازدارندگی ته‌اجمی تغییر رویکرد داده است.

الاحبار در این گزارش نوشت : ایران دکت‌رین امنیتی‌اش را تغییر داده است؛ تهران اکنون به دنبال اعمال اراده خود از طریق استفاده از قدرت نظامی (یا تهدید به آن)، نه فقط به عنوان ابزار دفاعی، بلکه برای پیشبرد منافع به صورت پیش‌دستانه است.

این گزارش می‌افزاید : ابتکار عمل ایران در پاسخ مستقیم به هدف قرار گرفتن ضاحیه جنوبی بیروت، غافلگیری برای اسرائیل، آمریکا و شرکای لبنانی‌شان بود؛ چرا که اگر تل‌آویو از قبل پیش‌بینی می‌کرد که تهران مستقیماً وارد رویارویی خواهد شد، اساسا دست به چنین اقدامی نمی‌زد.

این روزنامه نزدیک به رویکرد مقاومت نوشت: اکنون مقاومت لبنان به پشتوانه شریکی فعال و تأثیرگذار که توانایی اتخاذ تصمیمات نظامی پیش‌دستانه علیه دشمنان مشترک را دارد، حاشیه امن گسترده‌تری برای رد فشارها و دیکته‌ها به دست آورده است.

پیام رئیس مجلس به مناسبت صدورز جهاد ملت ایران:

دروء خدا بر شما مردم که پشت ایران را گرم کردید و کشور را از دهان گرگ‌های دَرزنده بیرون کشیدید

رئیس مجلس شسورای اسلامی در پیامی به مناسبت ۱۰۰ روز «جهاد ملت ایران» با تقدیر از نقش مردم در حفظ کشور، نوشت: ملت ایران با ایستادگی و مقاومت خود، کشور را از تهدید دشمنان عبور داده و آنان را در رسیدن به اهدافشان ناکام گذاشتند.

دکتر محمدباقر قالیباف به مناسبت ۱۰۰ روز جهاد ملت ایران در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: صد روز از جهاد ملتی که برای حفظ ایران جان قیام کرد می‌گذرد. درود خدا بر شما که پشت ایران را گرم کردید، دشمن را ناامید ساختید و کشور را از دهان گرگ‌های دَرزنده‌ای که برای تسلیم کردن ایران اسلامی دندان تیز کرده بودند، بیرون کشیدید.

پاینده ایران و زنده باد مقاومت ملت بزرگ ایران.



متفاوت است.«سی‌ان‌ان می‌نویسد این بار نیز تفاوتی وجود نداشت، اما ترامپ همچنان بر روایت خود اصرار ورزید. او در ۱۹ مه طی مراسمی در کنگره آمریکا اعلام کرد: «ما این جنگ را خیلی سریع پایان خواهیم داد.» در ۲۳ مه نیز بار دیگر مجموعه‌ای از اظهارات خوش‌بینانه را مطرح کرد و گفت دولت آمریکا «بسیار به توافق نزدیک شده است»، توافق «تقریباً مذاکره شده و تنها به نهایی شدن نیاز دارد» و اینکه «اعلام توافق به زودی انجام خواهد شد.»

در ۲۸ مه، ترامپ در مصاحبه‌ای با «الارا ترامپ» عروس خود، تأکید کرد که طرفین «به توافقی بسیار خوب نزدیک شده‌اند.»آخرین نمونه‌ای که سی‌ان‌ان به آن اشاره می‌کند مربوط به روز یکشنبه گذشته است. ترامپ در گفت‌وگو با پایگاه خبری آکسیوس اظهار داشت: «ما بسیار به دستیابی به توافق نهایی با ایران نزدیک شده‌ایم. این توافق، توافق خوبی خواهد بود.»

او در عین حال مدعی شد درگیری‌های میان ایران و رژیم صهیونیستی می‌تواند این روند را به خطر بیندازد و افزود: «منی‌خواهم آنچه در حال رخ دادن است باعث از بین رفتن این توافق شود.»به نوشته سی‌ان‌ان، این دست‌کم سومین بار بود که ترامپ در گفت‌وگو با آکسیوس از نزدیک بودن توافق سخن می‌گفت. یک روز بعد نیز وی در یک گردهمایی تلفنی برای حمایت از سناتور جمهوری‌خواه «لیندسی گراهام» بار دیگر از «پیروزی کامل» طی دو هفته آینده سخن گفت و اظهار داشت: «اکنون در حال مذاکره هستیم. آنها می‌خواهند توافق بسیار خوبی انجام دهند.» ترامپ در پایان ادعای مطرح کرد که شاید بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. او گفت: «آنها حاضرند همه چیز را به ما بدهند.» سی‌ان‌ان در جمع‌بندی گزارش خود تأکید می‌کند که تکرار ده‌ها باره این پیش‌بینی‌ها بدون تحقق عملی آنها، باعث شده ادعاهای رئیس‌جمهور آمریکا درباره نزدیک بودن توافق با ایران دیگر از اعتبار گذشته برخوردار نباشد و ناظران با تردید بیشتری به چنین اظهاراتی بنگرند.

از اوایل آوریل، لحن ترامپ اطمینان‌بخش‌تر شد. او در ۶ آوریل گفت که پیش‌تر «بسیار به توافق نزدیک شده بودند» اما روند کار با مانعی مواجه شده است.یک روز بعد، وی آتش‌بس را اعلام کرد؛ آتش‌بسی که قرار بود دو هفته ادامه داشته باشد تا تهران و واشنگتن فرصت نهایی کردن توافق را پیدا کنند.در ۱۵ آوریل، ترامپ در مصاحبه با شبکه فاکس بیزنس اظهار داشت: «فکر می‌کنم کار تقریباً تمام شده است. به نظر من بسیار به پایان نزدیک هستیم.» وی بار دیگر افزود که ایران «به شدت خواهان توافق است.»در روزهای بعد، رئیس‌جمهور آمریکا با اطمینان بیشتری از دستیابی قریب‌الوقوع به توافق سخن گفت. او در ۱۶ آوریل به خبرنگاران گفت: «اوضاع بسیار خوب به نظر می‌رسد و ما با ایران به توافق خواهیم رسید؛ توافقی که توافق خوبی خواهد بود.»

در ۱۷ آوریل نیز در سه برنامه و مصاحبه جداگانه ادعا کرد که ایران «با همه چیز موافقت کرده است»، «طرف یک یا دو روز آینده به توافق خواهیم رسید» و همچنین «اختلافات مهم چندانی باقی نمانده است.» سه روز بعد، در ۲۰ آوریل، ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت که «همه چیز نسبتاً سریع اتفاق خواهد افتاد.» با این حال، نه تنها توافقی حاصل نشد بلکه تا پایان ماه نیز هیچ پیشرفتی اعلام نشد. با وجود این، ترامپ در ۳۰ آوریل بار دیگر مدعی شد که ایران «سرای توافق از خود بی‌خود شده است.»

در اول ماه مه نیز به خبرنگاران گفت: «وقتی جنگ تمام شود که نباید خیلی طول بکشد…»پس از یک دوره سکوت نسبی، ترامپ در ۱۸ مه اعلام کرد که به درخواست برخی کشورهای خاورمیانه، حملات نظامی را برای دو یا سه روز به تعویق انداخته است؛ زیرا به گفته او این کشورها معتقد بودند که طرف‌ها «بسیار به توافق نزدیک شده‌اند.»جالب آنکه در همین مقطع، خود ترامپ نیز به طور ضمنی به ناکامی پیش‌بینی‌های قبلی اذعان کرد. او گفت: «دفاعتی بوده که تصور می‌کردیم بسیار به توافق نزدیک شده‌ایم اما این اتفاق نیفتاد.» با این حال بلافاصله افزود: «اما این بار

عشاق مذاکره و توافق با آمریکای دونالد ترامپ، مجددا در صدد تفکیک اسرائیل و آمریکا هستند؛ باید بررسی کرد که دونالد ترامپ تا کتون چندبار ادعا کرده که توافق با ایران نزدیک است و این ادعا می‌تواند چه نسبتی با تولید یک غافلگیری عملیاتی دیگر، همچون دفعات گذشته، در میدان نبرد داشته باشد

سخنان اخیر ترامپ درباره نزدیک بودن توافق با ایران بار دیگر نگاه‌ها را سمت ادعاهای سابق وی و بی اعتبار شدن چنین موضع گیری های جلب کرده است.

در حالی که پیش از دو ماه از اعلام آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌گذرد، شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی تحلیلی به بررسی اظهارات مکرر وی درباره نزدیک بودن توافق با ایران پرداخته و تأکید کرده است که رئیس‌جمهور آمریکا طی این مدت ده‌ها بار از قریب‌الوقوع بودن توافق سخن گفته، اما تاکنون هیچ نتیجه ملموسی حاصل نشده است.«آرون بلیک» تحلیلگر سی‌ان‌ان در این گزارش می‌نویسد که ترامپ از زمان اعلام آتش‌بس در هفتم آوریل تاکنون بارها مدعی شده است که توافق با ایران در آستانه نهایی شدن قرار دارد. با این حال، گذشت بیش از دو ماه نشان داده است که این ادعاها با واقعیت‌های موجود فاصله قابل توجهی داشته‌اند.

بر اساس این گزارش، ترامپ در هفتم آوریل در شبکه اجتماعی خود اعلام کرده بود که واشنگتن و تهران «بسیار به توافق نزدیک شده‌اند» و تنها به «دو هفته زمان» برای نهایی کردن توافق نیاز دارند. وی در آن زمان نوشته بود که دو طرف «بسیار پیشرفت کرده‌اند» و «حل این مشکل طولانی‌مدت در آستانه تحقق است.»اما برخلاف این پیش‌بینی، هیچ توافقی حاصل نشد و با وجود آن، رئیس‌جمهور آمریکا طی هفته‌ها و ماه‌های بعد همچنان به تکرار این ادعا ادامه داد.

سی‌ان‌ان با بررسی اظهارات عمومی ترامپ، پست‌های وی در شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه‌های رسانه‌ای، شمار مواردی را که او مستقیماً از نزدیک بودن توافق یا تمایل شدید ایران به توافق سخن گفته، دست‌کم ۳۷ مورد برآورد کرده است.

این گزارش تأکید می‌کند که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که امروز احتمال دستیابی به توافق بیش از زمانی باشد که ترامپ در هفتم آوریل از نهایی شدن قریب‌الوقوع آن سخن گفته بود. با این حال، وی همچنان این روایت را تکرار می‌کند؛ موضوعی که به اعتقاد نویسنده گزارش ممکن است ناشی از تلاش برای آرام نگه داشتن بازارهای مالی، فشار روانی بر طرف مقابل یا باور شخصی ترامپ به امکان تحقق این سناریو باشد. سی‌ان‌ان در ادامه روند زمانی این اظهارات را مرور کرده است.نخستین مورد در ۲۳ مارس و کمتر از یک ماه پس از آغاز جنگ ثبت شده است. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در نزدیکی هوایمای ریاست‌جمهوری مدعی شد مذاکرات صلح در جریان است و «تقریباً درباره همه موضوعات اصلی توافق وجود دارد.» این در حالی بود که ایران در همان مقطع اساساً وجود چنین مذاکراتی را رد کرده بود.یک روز بعد، ترامپ ادعای دیگری را مطرح کرد که بعدها به یکی از محورهای ثابت سخنانش تبدیل شد. وی گفت ایران برای رسیدن به توافق «بسیار مشتاق» است و افزود: «فکر می‌کنم به این وضعیت پایان خواهیم داد، هر چند نمی‌توانم با قطعیت بگویم.»در ۲۵ مارس، ترامپ اعلام کرد که ایران «به شدت خواهان توافق است» و یک روز بعد، در نشست هیئت دولت آمریکا مدعی شد که ایران برای دستیابی به توافق «التماس می‌کند.»

سی‌ان‌ان با لحنی انتقادی می‌نویسد اگر ایران واقعاً تا این اندازه مشتاق توافق بود، این پرسش مطرح می‌شود که چرا بیش از دو ماه و نیم بعد همچنان هیچ توافقی حاصل نشده است.

در ۲۹ مارس، ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در هوایمای ریاست‌جمهوری در پاسخ به این سؤال که آیا طی یک هفته آینده توافق حاصل خواهد شد، اظهار داشت: «بله، من توافق با ایران را می‌بینم.»

قالیباف در چهارمین پیام صوتی خطاب به مردم عزیز ایران: هدف ما پایان جنگ و ایجاد امنیت پایدار است، نه عادی سازی روابط با آمریکا

برخی به اسم تبعیت از رهبری در حال عمل کردن خلاف خط مشی ایشان هستند



حمله دور می‌کند و به همان میزان، میدان مبارزه دیپلماسی باید بتواند در زمان مقتضی این اقتدار عینی را به دستاوردهای ملموس و تثبیت شده حقوقی، سیاسی و اقتصادی تبدیل کند نه اینکه با حرف‌های کلی، مسائل حل نشده باقی بماند.

قالیباف بیان کرد: نکته کلیدی در این الگوی مبارزه مهم و اساسی، اقتدار و عقلانیت است. ما نه می‌خواهیم با وادادگی پیش برویم و نه با شعارزدگی. ما با تکیه بر اقتدار ایران و عقلانیت ایرانی به دنبال یک پیروزی مهندسی شده و کامل هستیم.

رئیس مجلس در ادامه توضیح داد: ماجرای لبنان مثال خوبی است که نشان می‌دهد میدان دیپلماسی کنار میدان نظامی می‌تواند اسرائیل و دشمنان را عقب بزند؛ نه دیپلماسی مانع عملیات نظامی و نه عملیات نظامی مانع دیپلماسی است.

وی ادامه داد: یک بار با تهدید به حمله و قطع مذاکره جلوی حمله اسرائیل به بیروت را می‌گیریم و بار دیگر با حمله نشان می‌دهیم ترسی از قطع مذاکرات نداریم و آمادگی کامل داریم؛ به لطف خدا نتیجه این می‌شود

که آنها مجبور می‌شوند درباره حق ما عقب‌نشینی کنند و ما حق خودمان را تثبیت کنیم.

قالیباف اضافه کرد: حالا تصور کنید اگر ما در میدان نظامی پیروز نشده بودیم یا در میدان دیپلماسی جلو نرفته بودیم و یا میدان‌های نظامی و دیپلماسی با یکدیگر به درستی پاسکاری نکرده و پشتیبان هم نبودند و با هم هماهنگی نداشتند، آن وقت دست ما برای حمایت از لبنان و مقابله با محاصره دریایی بسته بود.

وی خطاب به مردم گفت: در ماجرای درگیری‌های خلیج فارس نیز دیدید که با استفاده از همین الگو، ترتیبات ایران برای بازگشایی تنگه را تا اینجا تثبیت کردیم. موضوع فقط دربارع لبنان نیست بلکه موضوع رسیدن به حق مردم و ایجاد امنیت باثبات برای کشور است و باید هر ۴ میدان در کنار هم و هماهنگ با یکدیگر این اهداف را تأمین کنند.

قالیباف در ادامه گفت: پس قرار نیست یا جنگ کنیم و یا مذاکره بلکه قرار است به وقت خود جنگ کنیم و به وقت خود مذاکره کنیم؛ اینگونه است که می‌توانیم دشمن را شکست دهیم و این همان چیزی است که می‌گوییم مذاکره ادامه مبارزه است و عینیت پیدا کند.

وی خاطرنشان کرد: همینجا لازم است روی یک برداشت غلط خط بطلان بکشم، برخلاف تصور برخی که فکر می‌کنند بین مسئولان هماهنگی نیست،

رئیس مجلس شسورای اسلامی با بیان اینکه دشمن نقض آتش‌بس و محاصره دریایی، علت تنش‌های اخیر بود، گفت: هدف مذاکرات پایان جنگ و ایجاد امنیت پایدار است، نه عادی‌سازی روابط با آمریکا.

محمدباقر قالیباف رئیس هیئت مذاکره کننده کشورمان در چهارمین پیام صوتی خود خطاب به مردم ایران گفت: در مورد تحولات چند روز گذشته باید نکاتی را خدمت مردم بگویم؛ اولین نکته این است که آنچه باعث تنش‌های اخیر شد، این بود که آمریکایی‌ها هم با محاصره دریایی علیه ملت ایران و هم با نقض توافقی که درباره آتش بس لبنان شده بود، آتش‌بس را نقض فاحش کردند.

وی ادامه داد: صحبت‌های رئیس‌جمهور آمریکا درباره یادداشت تفاهم، مخالف بخش‌هایی بود که توافق شده بود. این نشان داد آنها نه دنبال آتش بس هستند و نه دنبال گفت‌وگو؛ طبیعی است که باید برای دفاع از حقوق ملت ایران پاسخ قاطع می‌دادیم که به لطف الهی نیروهای مسلح ما با اقتدار به وظیفه خود عمل کردند.

رئیس مجلس خطاب به مردم گفت: به مردم عزیز اطمینان می‌دهم که از این به بعد نیضم‌ما با قدرت از حقوق مردم ایران دفاع می‌کنیم و تحت رهبری و هدایت‌های ولی فقیه زمان‌مان و عنایت‌های الهی باعث پیروزی دیگری برای ایران سربلند خواهیم شد. قالیباف در ادامه گفت: پیشرفت مذاکرات در کنار انجام عملیات‌های نظامی در خلیج فارس و موشک‌باران دیشب رژیم صهیونیستی نشان داد که ما باید درک کاملی از هندسه میدان مبارزه داشته باشیم.

وی توضیح داد: اگر دیپلماسی را صرفاً گدوگو در اتاق‌های دربسته و لیخنده‌های دیپلماتیک بدانیم، از همان ابتدا شکست می‌خوریم و اگر صرفاً به عملیات‌های نظامی و جنگ تکیه کنیم، نمی‌توانیم از حقوق خود به طور کامل دفاع کنیم.

رئیس مجلس با بیان اینکه ما در برابر دشمنان ایران ۴ میدان مبارزه داریم، گفت: میدان مبارزه نظامی، میدان مبارزه دیپلماسی، میدان حضور مقاومت مردم و میدان خدمت؛ ۳ میدان اول از میدان چهارم پشتیبانی می‌کند. این ۴ میدان نه تنها در ۴ خط موزای نیستند بلکه تاز و بود یک پیکره واحد هستند که باید مثل بافتن یک لباس با هماهنگی دقیق و لحظه‌ای، لباس موفقیت پیروزی ملت ایران را ببافند. وی ادامه داد: میدان مبارزه نظامی، موتور پیشران قدرت‌ساز است یعنی دشمن را از رویاپردازی برای

برنامه‌ریزی همه جانبه به یک شکست دیگر برای آنها تبدیل خواهیم کرد.

رئیس مجلس اضافه کرد: با انسجام ملی و دیپلماسی اقتدار و قدرت نظامی تحت فرمان رهبری معظم و نایب امام عصر(عج)، دشمن را از تسلیم شدن مردم ایران ناامید خواهیم کرد.

وی افزود: به برکت خون پاک شهدا و با بصیرت ملی و درایت رهبری و مجاهدت مسئولین، به سمت ایرانی مستقل، پیشرفته و قوی ان‌شاءالله حرکت خواهیم کرد.قالیباف خاطرنشان کرد: رهبر معظم انقلاب نقشه دشمن را افشا کردند که بر تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور متمرکز شده است. ایشان راه مقابله با نقشه دشمن را نیز رعایت این موارد تعیین کردند؛ ایستادگی، روشن

هماهنگی کامل برای رسیدن به اهداف میان مسئولان وجود دارد. دست نیروهای مسلح برای اقدام همواره باز بوده و براساس تدبیر و برنامه‌ریزی درست و تصمیم تصویب شده عمل می‌کنند.

رئیس هیات مذاکره کننده کشورمان گفت: هدف ما پایان جنگ و ایجاد امنیت پایدار است و نه عادی سازی روابط با آمریکا؛ اعتمادی هم به طرف مقابل نداریم. البته روش ما احساسی عملیات کردن یا صرفاً اعلام حقوق ملت ایران یا محکوم کردن جنایات دشمن نیست.وی ادامه داد: راه روشن و میدان مشخص است و فقط اراده‌ای می‌خواهد که میان انقلابی‌گری و کنش دیپلماتیک بر بستر اقتدار عقلانی حرکت کنیم.

قالیباف تأکید کرد: درمورد محاصره دریایی که یک جنایت جنگی است، حتماً توطئه دشمن را با یک

بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم صدایی نکردن با دشمن.

وی ادامه داد: برخی این روزها با اسم تبعیت از رهبری، خلاف خط مشی عمل می‌کنند؛ یک بار دیگر بدون هیچ شرح و بسطی محورهای مورد تأکید رهبری را تکرار می‌کنم تا هرکسی چه مسئول، چه نخبه سیاسی و چه فعال رسانه‌ای خواست خارج از این چارچوب عمل کند، با پاسخ سخت امت حزب‌الله روبرو شود. رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی افزود: «ایستادگی، روشن‌بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن»، وظیفه‌ای است که رهبر انقلاب برای همه ما تعیین کرده‌اند تا بتوانیم از برنامه دشمن جلوگیری کرده و چشم‌انداز روشنی برای ایران آینده و سربلند رقم بزنیم.

تحلیل شوک جنگ و بازگشت سبز به کانال ۴.۵ میلیون واحد

رفت و برگشت برق آسای بورس



دیر، ارزش معاملات خرد به رقم کم‌سابقه ۳۷.۷ هزار میلیارد تومان رسید و ۵۶ میلیارد برگه سهم جابجا شد. همچنین سهامداران خرد برای کاهش ریسک خود پول خود را از سهام بیرون کشیدند و حدود ۶.۹ تا ۷.۱ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شد. در روز دوشنبه، فشارهای اصلی خروج پول بر دوش صنایع بزرگ و شاخص‌ساز بازار بود. بیشترین خروج پول از صنایع به ترتیب مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری با ۱.۸ همت، فلزات اساسی با ۱.۱ همت، فرآورده‌های نفتی و پلاستیکی با ۱ همت و محصولات شیمیایی با ۶۶۰ میلیارد تومان بود.

در میان نمادهای بزرگ شاخص‌ساز، نماد فملسی با ۸۹۸ میلیارد تومان بیشترین خروج پول حقیقی را ثبت کرد. پس از آن نمادهای شینا با ۴۲۷ میلیارد تومان، ونوین با ۳۶۶ میلیارد تومان، شپدیس با ۳۴۲ میلیارد تومان، شبندر با ۳۳۵ میلیارد تومان و وبملت با ۲۶۸ میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار نقدینگی قرار گرفتند.

البته در حالی که حقیقی‌ها در حال فروش هیجانی بودند، حقوقی‌های بزرگ بازار در نقش خریدار ظاهر شدند و صف‌های فروش نمادهای بنیادی مانند فملسی، وبملت، کگل، کچاد و شستس را جمع‌آوری کردند. همچنین تک‌نمادهایی

در پی نخستین حملات موشکی تهران به سمت اسرائیل، بورس تهران روز دوشنبه را با یک شیب نزولی آغاز کرد. اگر چه با اعلام پایان حملات از سوی قرارگاه خاتم الانبیا شاخص کل بورس مجدداً مثبت شد و به کانال ۴.۵ میلیون واحد وارد شد. بازار بورس روز گذشته یکی از دراماتیک‌ترین روزهای خود را سپری کرد. بورس که تا پیش از تبادل آتش میان ایران و اسرائیل، با سبز پوشی تقریباً مطلق و در برخی موارد ثبت رشد حتی تا ۸۰ هزار واحدی شاخص کل بورس سپری می‌کرد، روز دوشنبه ۱۸ خرداد با یک شوک شدید مواجه شد، اما بلافاصله صبح سه‌شنبه ۱۹ خرداد، پتانسیل بازگشت خود را به نمایش گذاشت.

روز دوشنبه، تحت تأثیر مستقیم آغاز تنش‌های نظامی شب قبل، بازار با غلبه مطلق فروشندگان مواجه شد. شدت هیجانات بازار به حدی بود که ۷۹ تا ۸۲ درصد نمادهای بازار کاملاً منفی و سرخ‌پوش شدند. در این روز، شاخص کل بورس با افت سنگین ۶۷ هزار و ۵۹۷ واحدی به رقم ۴ میلیون و ۲۲۶ هزار واحد عقب‌نشینی کرد.

شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۱.۳ درصدی مواجه شد که نشان داد موج فروش کاملاً فراگیر بوده و ریزش تنها مختص نمادهای بزرگ نبوده است. در پی این وحشت عمومی ناشی از احتمال آغاز جنگ تمام

مثل سیسکو، نظرن، افرا، سامان و شسپا توانستند مثبت بمانند.

آنچه دوشنبه را با دیگر روزهای ریزشی بورس متمایز می‌کرد، شتاب نزولی صندوق‌ها حتی صندوق‌های درآمد ثابت بود.

با آغاز تنش‌ها قیمت طلا بالا نرفت، به دلیل ریزش هم‌زمان انس جهانی طلا و ثبات نسبی دلار در بازار آزاد، صندوق‌های طلا نیز منفی شدند و ۲۰۰ میلیارد تومان خروج پول داشتند.

حتی صندوق‌های کم‌ریسکی همچون صندوق‌های درآمد ثابت هم با خروج ۱.۶ هزار میلیارد تومانی مواجه شدند که نمایانگر رفتار هیجانی سهامداران در روز دوشنبه بود. صبح سه‌شنبه پیش‌بینی کارشناسان مبنی بر اینکه این ریزش صرفاً یک اصلاح موقت در راستای اخبار منفی سیاسی است، درست از آب درآمد. با اعلام توقف عملیات موشکی از سوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء و روشن شدن این واقعیت که تنش عملاً یک‌روزه بوده، بازار صبح امروز ورق را برگرداند.

در ابتدای معاملات امروز، شاخص کل بورس با رشد خیره‌کننده ۹۲ هزار واحدی معادل ۲.۱ درصد رشد ریزش دیروز را کاملاً جبران کرد. همچنین امروز شاخص کل وارد کانال ۴.۵ میلیون واحد شد و در محدوده ۴ میلیون و ۵۱۷ هزار و ۶۳۳ واحد قرار گرفت. شاخص هم‌وزن نیز با

کود تولیدی بخش خصوصی هم دلاری شد!

رانت دولتی مانع رسیدن پارانه دولتی به دست کشاورزان

سید مهدی حسینی یزدی، رئیس انجمن واردکنندگان سم و کود ایران در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ افشا کرد که به دلیل غلبه رانت شرکت خدمات حمایتی و انحصار ۸۰ درصدی یک شرکت شبه دولتی، سوبسیدها هرگز به دست کشاورزان نمی‌رسد.

بازار نهاده‌های کشاورزی ایران در بهار امسال یکی از ملتهب‌ترین دوران خود را تجربه کرد. ابلاغ نرخ‌نامه جدید وزارت جهاد کشاورزی در اردیبهشت‌ماه امسال با آزادسازی و حذف ناگهانی ارز ترجیحی، قیمت هر کیسه ۵۰ کیلوگرمی کود استراتژیک «سوپر فسفات تریپل» را به مرز بی‌سابقه ۷ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان و قیمت کودهای دیگر نظیر سولفات پتاسیم را تا مرز ۹ میلیون و ۸۴۰ هزار تومان جهش داد.

این شوک قیمتی سنگین داخلی در شرایطی به کشاورزان تحمیل شد که بروز تنش‌های سیاسی و انسداد تنگه هرمز، بازار جهانی را نیز با بحرانی کم‌سابقه مواجه کرد.

بر اساس آخرین داده‌های بانک جهانی در خرداد، قیمت جهانی هر تن کود اوره با جهشی ۵۰ درصدی طی چند هفته، از محدوده ۳۵۰ تا ۴۵۰ دلار به بیش از ۷۷۰ دلار صعود کرده و نرخ اوره صادراتی خلیج فارس را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

همگامی این گرانی جهانی با انحصار رانتی بخش‌های شبه‌دولتی، زنجیره تأمین غذا و توان خرید کشاورزان ایرانی را به طور جدی تهدید می‌کند.

سید مهدی حسینی یزدی، رئیس انجمن واردکنندگان سم و کود ایران در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴، با تشریح آخرین وضعیت بازار تأمین نهاده‌های کشاورزی، از انحصار شدید دولتی و تأثیر نوسانات ارزی و تنش‌های نظامی اخیر بر گرانی و کمبود کود در کشور پرده برداشت.

حسینی یزدی با تفکیک عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر قیمت کود شیمیایی اظهار داشت: «واقعیت این است که ما درباره قیمت کود از دو سو زیر فشار هستیم. نخستین عامل که ارتباطی هم با جنگ ندارد، حذف ناگهانی ارز ترجیحی و جهش نرخ ارز واردکنندگان بود که مستقیماً به گرانی کود دامن زد. این مسئله ناشی از فقدان سیاست‌گذاری درست در وزارت جهاد کشاورزی بود.»

وی با انتقاد از عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در حوزه کشاورزی افزود: «وزارت کشاورزی هنوز نتوانسته خود را از جایگاه بنگاهداری خارج کند و عملاً با حمایت بی‌قاعده از «شرکت خدمات حمایتی کشاورزی»، پارانه را از مسیر اصلی منحرف کرده است. امروز حلقه گمشده این زنجیره، همین شرکت دولتی است که بیش از ۸۰ درصد بازار کود کشور را در دست دارد و مانع از رسیدن مستقیم سوبسیدها به دست کشاورزان می‌شود.»

رئیس انجمن واردکنندگان سم و کود ایران با رد ادعای دولت مبنی بر میدان دادن به بخش خصوصی، تصریح کرد: «این وعده که بخش خصوصی مدیریت کار را بر عهده بگیرد، در حوزه کشاورزی اصلاً محقق نشده است. چرا که بخش خصوصی واقعی عملاً حذف شده و شرکت‌های دولتی با ایجاد رانت، بازار کود را مونوپل خود کرده‌اند. بروکراسی گمرکات و مشکلات مالیات بر ارزش افزوده نیز ناشی از همین سوءمدیریت دولتی است که بخش خصوصی را در حوزه نهاده‌های کشاورزی تضعیف کرده است.»

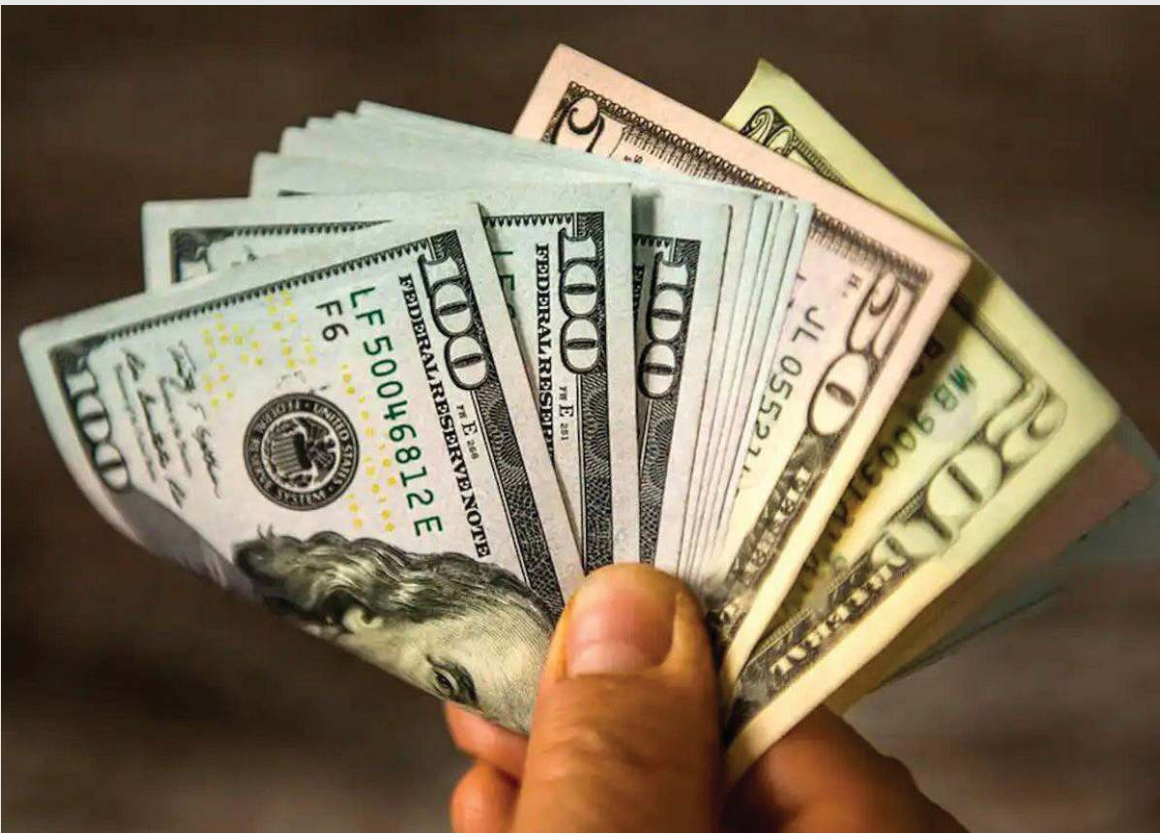
حسینی یزدی در بخش دیگری از سخنان خود به تشریح ابعاد تنش‌های نظامی اخیر و مسدود شدن تنگه هرمز پرداخت و گفت: «با آغاز جنگ و به مخاطره افتادن امنیت تنگه هرمز، قیمت کود در کل دنیا روند صعودی به خود گرفت. این موج گرانی حتی گریبان اوره کشورهای حوزه خلیج فارس را گرفت و بازار جهانی و کشورهای، چون آمریکا را نیز ناچار به افزایش قیمت کرد.»

وی با اشاره به وابستگی شدید تولید داخل به نهاده‌های خارجی افزود: «این تصور که کودهای تولید داخل از نوسانات قیمت جهانی مصون هستند، اشتباه است. چرا که ۵۰ تا ۷۰ درصد مواد اولیه کودهای تولیدی بخش خصوصی ما نیز وارداتی است و عملاً تولید داخل هم در ردیف محصولات وارداتی قرار می‌گیرد. به تبع همین ابهامات ارزی و فرآیند سخت تأمین مواد اولیه، شرکت‌های تأمین مواد اولیه قیمت‌های خود را ۲۰ تا ۳۰ درصد بالا برده‌اند.»

رئیس انجمن واردکنندگان سم و کود ایران در پایان با تأکید بر اینکه وضعیت قیمت کود شیمیایی به این زودی‌ها به حالت عادی بازمی‌گردد، خاطر نشان کرد: «تردد در تنگه هرمز به این زودی‌ها به حالت عادی بر نمی‌گردد و حتی در صورت بازگشایی کامل تنگه نیز اثرات شوک حذف ارز ترجیحی و مشکلاتی که رانت در حوزه کشاورزی تحمیل کرده، باقی خواهد ماند. بخش خصوصی بارها آمادگی خود را برای تأمین و تعادل بخشی به بازار اعلام کرده، اما حمایت بدون منطق دولت از شرکت خدمات حمایتی، پیامدی جز گرانی مهارگسیخته و کمبود کود برای بخش کشاورزی کشور نداشته است.»

پیش‌بینی تکان دهنده از جهش ۳۲ درصدی دلار ظرف ۶ ماه آینده

دلار به ۲۳۵ هزار تومان می‌رسد؟



قیمت‌ها و عدم شارژ حساب‌ها توسط دارندگان قرارداد، دست به «تسویه اجباری» خواهد زد. این سیاست انقباضی شدید در چین، عملاً حجم معاملات کاغذی طلا را کاهش داده و بر روند قیمت‌ها در بازار جهانی اثرگذار شده است.»

ایمنی برای مهار نوسانات هیجانی اتخاذ شده، اهم معاملات را به شدت کاهش داده است؛ به طوری که اکنون برای ثبت قراردادهای بیش از یک میلیون یوان وجه تضمین نیاز است. بانک‌های چینی صراحتاً هشدار داده‌اند که در صورت افت بیشتر

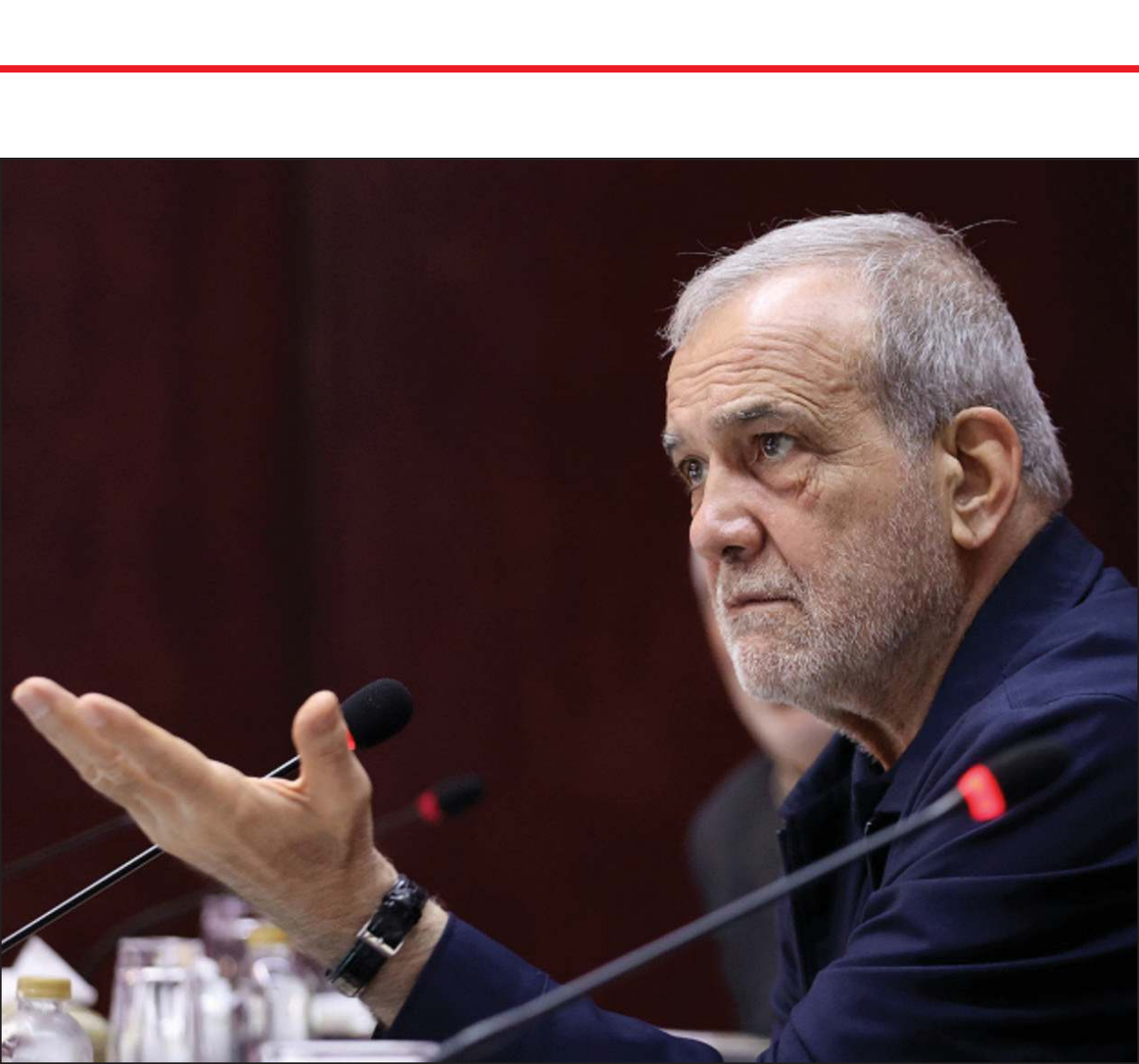
زمانی که دولت و تفکرات کلان کشور، سیاست‌های خود را بر پایه عبور از اقتصاد نفتی قرار ندهند و بنگاه‌های اقتصادی به طور ۱۰۰ درصد خصوصی نشده و سایه شرکت‌های خصوصی از سر بازار کم نشود، ما همچنان با کاهش شدید ارزش پول ملی مواجه خواهیم بود. با فرمول ساختاری فعلی، پیش‌بینی من این است که قیمت دلار تا پایان سال ۲۰۲۶ با یک شیب صعودی شدید حرکت کرده و با قیمت ۲۳۵ هزار تومان در بازار داخلی به فروش خواهد رسید.»

این عضو هیات رئیسه اتحادیه طلا و جواهر ایران در پایان با اشاره به جایگاه ارزهای بین‌المللی تحت مدیریت ترامپ خاطر نشان کرد: «در طول چند دهه اخیر همیشه دلار در بازارهای جهانی پیشرو بوده و پوند و یورو نیز جایگاه خود را حفظ کرده‌اند.»

وی افزود: «با توجه به حضور ترامپ در قدرت و در پیش بودن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، بعید به نظر می‌رسد که ارزش دلار در بازار جهانی با افت روبه‌رو شود و احتمالاً در همین مرزهای کنونی به حرکت خود ادامه خواهد داد. این موضوع در کنار سیاست‌های سخت‌گیرانه مالیاتی و معاملاتی چین، جهت‌دهنده اصلی بازارهای مالی خواهد بود.»

رئیس پایانه صادراتی فلزات گرانبها و گوهرسنگ‌های کشور در بخش دیگری به تشریح دلایل فنی افت قیمت طلا در بازارهای جهانی پرداخت و از سیاست‌های انقباضی و سخت‌گیرانه چین سخن برداشت. زنگنه با اشاره به تغییر قوانین معاملاتی در بورس طلای شانگهای از ابتدای ژوئن اظهار داشت: «در واکنش به نوسانات شدید و افت قیمت جهانی فلزات گرانبها، چهار بانک بزرگ و دولتی چین وارد فاز سخت‌گیرانه‌ای شده‌اند و نرخ وجه تضمین یا همان مارجین قراردادهای تعویقی طلا را از ۱۰۰ درصد به ۱۲۰ درصد افزایش داده‌اند.»

این کارشناس اقتصادی افزود: «این تصمیم که به عنوان یک سپر



عبور از جام‌جم؛ چرا دولت پزشکیان باید قید «رسانه‌ملی» را بزند؟

اینترنت، برگ برنده دولت در برابر صداوسیما

رابطه پاستور و جام‌جم وارد مرحله تازه‌ای

شده است. انتقادهای تند رئیس‌جمهور از صداوسیما، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا وقت عبور دولت از راهبرد مدارا با رسانه ملی و بازتعریف آرایش رسانه‌ای خود رسیده است؟

تویت اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، پالس‌های روشنی از یک تغییر فاز در روابط پاستور و جام‌جم را به همراه داشت. او صراحتاً نوشت: «همکاران ما در دولت همواره مراقب بوده‌اند آرامش روانی جامعه مورد تهدید قرار نگیرد و تاکید من بر حفظ وحدت و تحمل تفاوت‌هاست، اما وقتی صداوسیما و برخی فعالان رسانه‌ای در شرایط جنگی لبه نقدهای غیرمنصفانه را به سمت دولت بگیرند، مجبور خواهیم بود پاسخ درخور بدهیم؛ این به صلاح کشور نیست.»

این موضع‌گیری تند و بی‌سابقه، نشان‌دهنده لبریز شدن کاسه صبر دولتی است که با شعار «وفاق ملی» روی کار آمد، اما از همان روز نخست با خنجرهای آخته رسانه‌ای از سوی جریانی خاص روبرو شد. واقعیت این است که مواضع اخیر پزشکیان، چه در فضای مجازی و چه در جلسات رسمی مانند شورای هماهنگی اقتصادی دولت که صراحتاً گفت: «صداوسیما هر روز شعار می‌دهد، اما باید واقعیت را بگوید»، حاکی از یک واقع‌بینی دیرینه‌نگام است؛ واقعیتی که می‌گوید «رسانه ملی» مدت‌هاست به باشگاه اختصاصی یک جریان سیاسی خاص تبدیل شده و قرار نیست چتر حمایت خود را روی سر دولت بگستراند.

سازمان صداوسیما مدت‌هاست از تعریف قانونی و ساختاری خود به عنوان یک «رسانه ملی» فاصله گرفته است. نگاهی به برنامه‌های سیاسی، پلتفرم‌های تحلیلی و حتی برنامه‌های گفت‌وگومحور این سازمان نشان می‌دهد که جام‌جم در تسخیر رانت‌خواری قرار گرفته که تنها هترشان، دویاره کردن جامعه، دوقطبی‌سازی‌های کاذب و هزینه‌تراشی برای کشور است. جریانی که در ادبیات سیاسی ایران به «خالص‌سازان» یا بدنه تندروی جبهه پایداری معروفند، صداوسیما را به سنگری برای تضعیف هر تفکری غیر از تفکر خود تبدیل کرده‌اند.

در چنین ساختاری، انتظار داشتن نگاه منصفانه به دولتی که با رای اکثریت خواهان تغییر روی کار آمده، چیزی شبیه به یک شوخی سیاسی است. صداوسیما نه تنها تمایلی به بازتاب دستاوردها یا حتی چالش‌های واقعی دولت ندارد، بلکه با تولید انبوه پروپاگاندا، فیک‌نیوز و جنجال‌های بی‌پایان، رسماً در مسیر تولید نفرت و

تعمیق شکاف‌های اجتماعی گام برمی‌دارد. بنابراین، نخستین گام برای تیم رسانه‌ای دولت، عبور از این توهم است که صداوسیما روزی تغییر مسیر خواهد داد. با توصیه‌های اخلاقی و دعوت به وفاق، ساختاری که برای تخریب طراحی شده، اصلاح نمی‌شود.

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که صداوسیما امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، ریزش شدید مخاطب و بحران عمیق بی‌اعتمادی است. وقتی رسانه‌ای به جای بازتاب دادن واقعیت‌های ملموس جامعه – مانند گرانی، دغدغه‌های معیشتی و فشارهای اقتصادی – به سراغ شعارهای تکراری و روایت‌های وارونه می‌رود، طبیعی است که قافیه را به شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های نوین بپازد. همان‌طور که رئیس‌جمهور در جلسه شورای هماهنگی اقتصادی اشاره کرد، «مدیری که هیچ راه جایگزینی ندارد، یعنی شکست خورده است.» امروز مدیریت صداوسیما با اصرار بر روش‌های گلخانه‌ای و حذف چهره‌های محبوب، در یک انسداد رسانه‌ای قرار دارد.

وقتی رسانه رسمی کشور توان اقتناع افکار عمومی را ندارد، بار این بی‌اعتمادی به دوش دولت می‌افتد، چرا که دوقطبی‌سازی‌های جام‌جم، جامعه را نسبت به هرگونه تصمیم اصلاحی از سوی دولت بدبین می‌کند. دولت پزشکیان باید بداند که تکیه بر چنین رسانه‌ای برای تبیین سیاست‌هایش، مانند آب در غربال کردن است.

در دنیای امروز، انحصار رسانه‌ای به واسطه ظهور شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی نوین در هم شکسته است. دیگر نیازی نیست برای رساندن یک پیام به توده‌ها، حتماً آنتن زنده شبکه‌های چندگانه تلویزیونی را در اختیار داشت. برای درک این موضوع می‌توان به نمونه‌های بین‌المللی نگاه کرد؛ سیاستمدارانی مانند دونالد ترامپ در ایالات متحده، فارغ از اینکه جریان اصلی رسانه‌ای چقدر با آنها همسو یا دشمن باشد، با استفاده هوشمندانه از یک حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی، مستقیم و بدون واسطه با مخاطبان خود سخن می‌گویند. یک پست یا یک کامنت کوتاه از سوی آنها، خط خبری رسانه‌های بزرگ دنیا را تعیین می‌کند.

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری و به طور کلی مجموعه روابط عمومی دولت باید از این مدل الگوبرداری کنند. دولت پزشکیان دارای ظرفیت‌های بالقوه عظیمی در فضای مجازی است که تا به امروز به شکلی سنتی و ناکارآمد از آنها استفاده شده است. وقت آن است که دولت، رسانه اختصاصی خود را در بستر شبکه اینترنت و پلتفرم‌های محبوب

مردم پایه‌گذاری کند.

کلید قفل رسانه‌ای دولت: دسترسی آزاد به اینترنت
تند آمدن واژه‌ها نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور و رسانه‌های نوین، مشروط به یک پیش‌شرط بزرگ و اساسی یعنی فراهم کردن ابزار دسترسی برای مردم است. این یک تناقض آشکار خواهد بود اگر دولت بخواهد پیام‌های خود را در بسترهایی منتشر کند که مردم برای دسترسی به آنها با سد فیلترینگ و سرعت پایین اینترنت مواجه باشند. رفع محدودیت‌های اینترنتی و گشایش در فضای مجازی، دیگر تنها یک مطالبات لوکس یا انتخاباتی نیست، بلکه امروز به یک «ضرورت بقای رسانه‌ای» برای خود دولت تبدیل شده است.

اگر دولت می‌خواهد صدای رسایی در برابر همه‌های روزمره جام‌جم داشته باشد، باید امتیاز بزرگ خود یعنی توانایی تغییر در سیاست‌های ارتباطی و اینترنتی را به کار گیرد. باز کردن فضای اینترنت، پهنای باند مناسب و کاهش محدودیت‌ها، همان ابزاری است که به مردم اجازه می‌دهد بدون سانسور جریان سیاسی حاکم بر صداوسیما، مستقیماً شنوندت مواضع، سخنان و عملکردهای پاستور باشند. این اقدام نه تنها یک دستاورد بزرگ برای حقوق شهروندی است، بلکه شبکه توزیع پیام دولت را از اسارت جریان خالص‌ساز نجات می‌دهد.

در نهایت، دولت باید به این درک برسد که بهترین و موثرترین رسانه، «سفره مردم» و واقعیت‌های اقتصادی کف خیابان است. مسعود پزشکیان در جلسات اخیر خود به یک دستاورد بزرگ برای حقوق شهروندی است، بلکه شبکه توزیع پیام دولت را از اسارت جریان خالص‌ساز نجات می‌دهد.

اگر دولت بتواند در میدان عمل، ثبات اقتصادی ایجاد کند و فشارهای معیشتی را از روی دوش دهک‌های کم‌درآمد بردارد، هیچ اتاق فکری در جام‌جم نخواهد توانست چهره دولت را مخدوش کند.

کارآمدی، قوی‌ترین ابزار رسانه‌ای دولت است. وقتی اقدامات ملموسی برای بهبود زندگی مردم انجام شود، روایت صادقانه این اقدامات از طریق ابزارهای ارتباطی نوین و آزاد، به راحتی بر بوق‌های تبلیغاتی و نقدهای غیرمنصفانه صداوسیما غلبه خواهد کرد. دولت باید تمرکز خود را از راضی کردن یا پاسخ دادن به جنجال‌های صداوسیما بردارد و تمام انرژی خود را صرف حل بحران‌های واقعی و تقویت شبکه ارتباطی مستقیم خود با توده‌های مردم کند.

مهم‌ترین و در عین حال مهم‌ترین بخش توثیت پزشکیان، همان عبارات کوتاه «پاسخ درخور» است. دولت ابزارهای رسانه‌ای محدودی در اختیار دارد و به همین دلیل این عبارت تفاسیر مختلفی را برانگیخته است. برخی آن را صرفاً هشداری سیاسی می‌دانند؛ پیامی به منتقدان که دولت دیگر قصد ندارد در برابر حملات سکوت کند

انتشار توثیت مسعود پزشکیان با موضوع صداوسیما فضای سیاسی کشور را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. رئیس‌جمهوری که در یک سال گذشته تلاش کرده بود حتی در اوج اختلافات سیاسی نیز از ادبیات تنش‌آفرین فاصله بگیرد، این بار با لحنی متفاوت و کم‌سابقه خطاب به صداوسیما هشدار داد که «مجبور خواهیم بود پاسخ درخور بدهیم. این به صلاح کشور نیست.»

رئیس‌جمهوری ایران در شبکه اجتماعی ایکس و با لحنی تند و گلایه‌آمیز خطاب به صداوسیما نوشت: «همکاران ما در دولت همواره مراقب بوده‌اند آرامش روانی جامعه مورد تهدید قرار نگیرد و تاکید من بر حفظ وحدت و تحمل تفاوت‌هاست، اما وقتی صداوسیما و برخی فعالان رسانه‌ای در شرایط جنگی لبه نقدهای غیرمنصفانه را به سمت دولت بگیرند، مجبور خواهیم بود پاسخ درخور بدهیم. این به صلاح کشور نیست.»

در نگاه نخست، ماجرا شاید صرفاً یک گلایه رسانه‌ای به نظر برسد؛ اختلافی میان دولت و رسانه ملی بر سر نحوه پوشش اخبار، نقدهای سیاسی یا برنامه‌های تلویزیونی؛ اما با کمی فاصله گرفتن از متن توثیت و قرار دادن آن در بستر تحولات ماه‌های اخیر، تصویری بسیار بزرگ‌تر نمایان می‌شود.

به نظر می‌رسد آن چه امروز در قالب یک توثیت بروز پیدا کرده، محصول یک روند طولانی و انباشته از تنش‌های سیاسی، رسانه‌ای و جناحی باشد؛ روندی که از ماه‌ها پیش آغاز شده و اکنون پس از پایان جنگ و ورود کشور به مرحله پساجنگ، وارد فاز تازه‌ای شده است.

در متن کوتاه پزشکیان چند واژه کلیدی وجود دارد که اهمیت آنها فراتر از یک انتقاد معمولی است؛ «آرامش روانی جامعه»، «شرایط جنگی»، «نقدهای غیرمنصفانه» و درنهایت «پاسخ درخور.» و کنار هم قرار گرفتن این واژه‌ها نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور صرفاً از یک برنامه تلویزیونی یا یک گزارش خبری ناراضی نیست، بلکه نسبت به روندی گسترده‌تر هشدار می‌دهد؛ روندی که از نگاه دولت می‌تواند انسجام ملی شکل گرفته در دوران جنگ را تحت‌تأثیر قرار دهد.

واقعیت این است که توثیت اخیر را نمی‌توان جدا از فضای سیاسی ماه‌های گذشته تحلیل کرد. از زمان روی کار آمدن دولت چهاردهم، بخش مهمی از انرژی سیاسی کشور صرف کشمکش میان دولت و منتقدان آن شده است. اختلاف بر سر سیاست خارجی، ترکیب کابینه، مدیریت فضای مجازی، مذاکرات، انتصاب‌ها و حتی نحوه مواجهه با بحران‌های داخلی بارها به تیرت نخست رسانه‌ها تبدیل شده و با این حال، در دوره جنگ بخش قابل‌توجهی از این منازعات به صورت موقت فروکش کرد. شرایط بحرانی کشور، ضرورت حفظ انسجام داخلی و اولویت یافتن مسائل امنیتی باعث شد بسیاری از رقابت‌های سیاسی به حاشیه رانده شود، اما اکنون به نظر می‌رسد آن تنش‌بس نانوشته در حال پایان یافتن است.

در روزهای جنگ، تقریباً همه جریان‌های سیاسیی از ضرورت همبستگی ملی سخن می‌گفتند. دولت، مجلس، نیروهای نظامی و نهادهای مختلف حاکمیتی تلاش کردند تصویری از هماهنگی و وحدت ارائه دهند. همین مسئله نیز بارها مورد اشاره مسئولان قرار گرفت.

اما پس از عبور از شرایط جنگی، اختلافات قدیمی بار دیگر سر برآوردند. بحث اینترنت و بازگشایی تدریجی دسترسی‌ها، یکی از نخستین جرقه‌های این اختلاف بود. تصمیم دولت برای بازگرداندن بخشی از دسترسی‌های اینترنتی با واکنش تند برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای مواجه شد. شکایت‌هایی به دیوان عدالت اداری ارسال شد، برخی نمایندگان مجلس دولت را متهم به تخلفی از قانون کردند و در رسانه‌های نزدیک به جریان‌های تندرو نیز انتقادهای شدت گرفت. در ظاهر، موضوع صرفاً اینترنت بود؛ اما در واقع نزاع بر سر رساله‌ای عمیق‌تر شکل گرفت و این که ایران پس از جنگ چگونه باید اداره شود.

یک نگاه معتقد است کشور همچنان در شرایطی استثنایی قرار دارد و باید اولویت را به ملاحظات امنیتی داد. از این منظر، محدودیت‌های ارتباطی، کنترل شدیدتر فضای رسانه‌ای و تداوم فضای احتیاط‌آمیز دوران جنگ، امری طبیعی تلقی می‌شود. در مقابل، دولت و حامیانش معتقدند کشور باید به وضعیت عادی بازگردد؛ اقتصاد بدون ارتباطات، کسبوکارها بدون اینترنت و جامعه بدون گردش اطلاعات نمی‌تواند به مسیر طبیعی خود ادامه دهد و به همین دلیل از نگاه آنان، تداوم محدودیت‌های دوران جنگ که تنها کمکی به امنیت نمی‌کند، بلکه می‌تواند ناراضیاتی‌های جدیدی ایجاد کند. در چنین بستری است که توثیت پزشکیان معنا پیدا می‌کند.

در این میان، صداوسیما به یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف تبدیل شده است. دولت و حامیانش مدت‌هاست معتقدند که رسانه ملی در بسیاری از موضوعات به جای ایفای نقش یک رسانه فراگیر، عملاً به تریبون منتقدان دولت تبدیل شده است.

محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در واکنش به تحولات اخیر صریح‌ترین تعبیر را به کار برد. او گفت: «قرار نیست در کشور یک دولت مستقر باشد و یک دولت دیگر هم به نام صداوسیما در مقابل آن فعالیت کند.»

این جمله در واقع چکیده نگاه بخشی از اردوگاه حامی دولت است. آنها معتقدند که صداوسیما در برخی پرونده‌ها نه تنها نقش رسانه‌ای ایفا نمی‌کند، بلکه به یک بازیگر فعال سیاسی تبدیل شده است؛ بازیگری که در موضوعاتی مانند اینترنت، مذاکرات، سیاست خارجی و عملکرد دولت، عملاً در کنار منتقدان دولت قرار می‌گیرد. البته منتقدان دولت چنین برداشتی را نمی‌پذیرند و معتقدند رسانه ملی صرفاً در حال طرح پرسش‌ها و نقدهایی است که بخشی از جامعه نیز آنها را مطرح می‌کند. اما صرف‌نظر از اینکه کدام روایت به واقعیت نزدیک‌تر است، روشن است که شکاف میان دولت و صداوسیما اکنون به یکی از جدی‌ترین شکاف‌های سیاسی کشور تبدیل شده است.

اما اگر توثیت پزشکیان را نقطه آغاز یک منازعه تازه بدانیم، باید پرسید مخاطب اصلی این هشدار چه کسانی هستند؟

در متن توثیت نامی از هیچ جریان سیاسی برده نشده، اما تقریباً

فرهنگ و هنر

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال بیست و سوم ■ شماره: ۰۰۰۰۰۰

ماجرای انتقاد مسعود پزشکیان از صداوسیما

توثیتی که فضای سیاسی را تحت تأثیر قرار داد

همه تحلیل‌ها به یک نقطه مشترک می‌رسند؛ بخشی از جریان‌های اصولگرای رادیکال و رسانه‌های نزدیک به آنها هدف است.

مهم‌ترین و در عین حال مهم‌ترین بخش توثیت پزشکیان، همان عبارات کوتاه «پاسخ درخور» است. دولت ابزارهای رسانه‌ای محدودی در اختیار دارد و به همین دلیل این عبارت تفاسیر مختلفی را برانگیخته است. برخی آن را صرفاً هشداری سیاسی می‌دانند؛ پیامی به منتقدان که دولت دیگر قصد ندارد در برابر حملات سکوت کند

از زمان انتخابات ۱۴۰۳، این جریان‌ها مهم‌ترین منتقدان دولت بوده‌اند. اختلاف‌ها از همان روزهای نخست بر سر ترکیب کابینه، حضور چهره‌های میانه‌رو در دولت، نحوه تعامل با جهان، سیاست‌های فرهنگی و مدیریت فضای مجازی آغاز شد و به تدریج گسترش یافت.

در ماه‌های اخیر نیز حملات به دولت شکل تازه‌ای به خود گرفته و از انتقاد به بازگشایی اینترنت گرفته تا حمله به تیم سیاست خارجی، از زیر سؤال بردن برخی تصمیمات دولت در دوران جنگ تا طرح ادعاهایی درباره نحوه پذیرش آتش‌بس و مذاکرات را دربرمی‌گیرد.

جوادی‌حصار نیز در مصاحبه خود مستقیماً به همین فضا اشاره می‌کند. او معتقد است بخشی از این جریان‌ها تلاش می‌کنند هر اقدام دولت را به یک بحران سیاسی تبدیل کنند و حتی پا را فراتر گذاشته و برخی تصمیمات را به اختلاف میان دولت و ارکان عالی نظام نسبت می‌دهند.

او در بخش دیگری از سخنان خود تصریح می‌کند که این جریان‌ها به دلیل آن که «حنای خودشان در جامعه رنگی ندارد» می‌کوشند از نام نهادهای بالادستی برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کنند. این سخن را می‌توان یکی از صریح‌ترین حملات سیاسی اصلاح‌طلبان به طیف موسوم به دلوایسان در ماه‌های اخیر دانست. اما شاید مهم‌ترین نقطه اختلاف، نه اینترنت باشد و نه حتی صداوسیما؛ بلکه مذاکرات ی‌کی از محل‌های اختلاف است. در فضای سیاسی امروز ایران، تقریباً همه مسیرها در نهایت به مسئله مذاکرات ختم می‌شود.

مخالفان دولت معتقدند تیم حاکم بیش از اندازه بر دیپلماسی تکیه کرده و ممکن است در مسیر توافق امتیازهای بیش از حدی واگذار شود. در مقابل، دولت و حامیانش تاکید دارند که بدون کاهش تنش خارجی و گشودن مسیرهای دیپلماتیک، عبور از بحران‌های اقتصادی ممکن نیست. به همین دلیل است که بخشی از حملات اخیر علیه دولت، در واقع حمله‌ای غیرمستقیم به مسیر مذاکرات تلقی می‌شود.

در واقع اگر بخواهیم همه قطعات این پازل را کنار هم بگذاریم، تصویری نسبتاً روشن به دست می‌آید. در دوران جنگ، نوعی آتش‌بس سیاسی نانوشته شکل گرفت. دولت، مجلس، نیروهای نظامی و بسیاری از جریان‌های سیاسی تلاش کردند اختلافات را به حداقل برسانند. اما اکنون که خطر فوری جنگ کاهش یافته، رقابت‌های سیاسی دوباره در حال بازگشت است.

در توثیت کوتاه پزشکیان خطاب به صداوسیما، چند واژه کلیدی وجود دارد که اهمیت آن‌ها فراتر از یک انتقاد معمولی است؛ «آرامش روانی جامعه»، «شرایط جنگی»، «نقدهای غیرمنصفانه» و در نهایت «پاسخ درخور.» و کنار هم قرار گرفتن این واژه‌ها نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور نسبت به روندی گسترده‌تر هشدار می‌دهد.

اما نکته مهم اینجاست که پزشکیان در تمام ماه‌های گذشته تلاش کرده بود از ورود مستقیم به چنین منازعاتی پرهیز کند. حتی در اوج حملات سیاسی، معمولاً وزرا، معاونان یا حامیان دولت پاسخ منتقدان را می‌دادند. اما این بار شخص رئیس‌جمهور وارد میدان شده است.

همین مسئله باعث شده بسیاری از ناظران سیاسی، توثیت اخیر را نه یک واکنش احساسی بلکه یک تصمیم سیاسی حساب‌شده تلقی کنند.

آید؛ اما مهم‌ترین و در عین حال مهم‌ترین بخش توثیت پزشکیان، همان عبارت کوتاه «پاسخ درخور» است. دولت ابزارهای رسانه‌ای محدودی در اختیار دارد و به همین دلیل این عبارت تفاسیر مختلفی را برانگیخته است. برخی آن را صرفاً هشداری سیاسی می‌دانند؛ پیامی به منتقدان که دولت دیگر قصد ندارد در برابر حملات سکوت کند. برخی دیگر معتقدند منظور از پاسخ درخور، ورود جدی‌تر دولت به عرصه رسانه‌ای و افشای برخی واقعیت‌ها و آمارهایی است که تاکنون به دلایل مختلف بیان نشده‌اند. گروهی نیز این جمله را نشانه احتمال تشدید رویارویی سیاسی میان دولت و برخی نهادهای رسانه‌ها می‌دانند. هر کدام از این تفسیرها درست باشد، یک نکته روشن است: لحن رئیس‌جمهور تغییر کرده است.

شاید در نهایت بتوان گفت که آنچه امروز در قالب اختلاف بر سر اینترنت، صداوسیما یا مذاکرات دیده می‌شود، در واقع بخشی از یک رقابت بزرگ‌تر است؛ رقابتی بر سر تعریف آینده ایران در دوران پساجنگ.

یک جریان معتقد است کشور باید هرچه سریع‌تر به سمت عادی‌سازی، بازسازی اقتصادی، کاهش تنش و گسترش ارتباطات حرکت کند. جریان دیگر بر این باور است که شرایط همچنان استثنایی است و نباید از الزامات امنیتی و سیاسی دوران جنگ فاصله گرفت و در این میان، صداوسیما، فضای مجازی، مذاکرات، سیاست خارجی و حتی روایت رسمی از جنگ، همگی به میدان‌های این رقابت تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی دیگر توثیت پزشکیان را نمی‌توان صرفاً یک گلایه از صداوسیما دانست. همان‌گونه که نمی‌توان آن را واکنشی لحظه‌ای به یک برنامه تلویزیونی یا چند انتقاد رسانه‌ای تلقی کرد. این توثیت محصول روندی طولانی از انباشت اختلافات سیاسی است؛ اختلافاتی که در دوران جنگ به حاشیه رفتند، اما اکنون دوباره در حال بازگشت هستند.

از این منظر، هشدار پزشکیان را می‌توان بیش از هر چیز نشانه پایان یک آتش‌بس سیاسی دانست؛ آتش‌بسی که در روزهای جنگ برقرار شده بود و اکنون نشانه‌های فروپاشی آن یکی پس از دیگری آشکار می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که مهم‌ترین جمله توثیت رئیس‌جمهور نه تهدید «پاسخ درخور»، بلکه جمله پایانی آن بود «این به صلاح کشور نیست.» چرا که در پس این نگرانی بزرگ‌ترین نهنفته است؛ نگرانی از این که ایران پس از جنگ، بار دیگر گرفتار همان منازعات فرساینده سیاسی شود که پیش از جنگ نیز بخش مهمی از انرژی کشور را به خود اختصاص داده بود.



سکوت عجیب بازار تهران در بحبوحه جنگ خبری؛ معامله گران چه می دانند که مانمی دانیم؟

پایین ترین سطح بیش از دو ماه اخیر رسید؛ اتفاقی که در نگاه اول با تشدید تنش‌های نظامی میان ایران و اسرائیل همخوانی ندارد، ولی بازارها بیش از هر چیز به چشم‌انداز نرخ بهره آمریکا واکنش نشان دادند. بر این اساس، قیمت هسراونس طلا در معاملات نقدی (Spot) با افت یک درصدی به چهار هزار و ۲۸۷ دلار رسید و پس از ریزش نزدیک به سه درصدی در پایان هفته گذشته، پایین‌ترین سطح خود از ۲۴ مارس را ثبت کرد. قراردادهای آتی طلای آمریکا برای تحویل آگوست هم با کاهش ۱۰۲ درصدی در محدوده چهار هزار و ۳۱۱ دلار معامله شدند. تحلیلگران بازار طلا می‌گویند عامل اصلی این رخداد، انتشار گزارش قدرتمند اشتغال آمریکا بود. این داده‌ها نشان داد بازار کار ایالات متحده همچنان از قدرت بالایی برخوردار است؛ موضوعی که احتمال تداوم مستحده‌های انقباضی فدرال‌رزرو و حتی افزایش مجدد نرخ بهره را تقویت کرده است. افزایش انتظارات برای رشد نرخ بهره باعث صعود بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا شد و هزینه فرصت نگهداری دارایی‌های بدون سودی مثل طلا را افزایش داد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران بخشی از سرمایه خود را از بازار فلزات گرانبها خارج کردند. در بازار تهران نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار با کاهش ۱۰۰۸ درصدی، از ۱۸ میلیون و ۲۵۰ هزار و ۵۰۰ تومان به ۱۸ میلیون و ۱۰۹ هزار و ۱۰۰ تومان رسید. قیمت سکه امامی دیروز با کاهش ۹۹۵ هزار تومانی، به ۱۸۲ میلیون و ۹۸۵ هزار تومان رسید. هر قطعه سکه بهار آزادی که با کاهش دو میلیون تومانی قیمت، با نرخ ۱۷۷ میلیون و ۹۸۰ هزار تومان معامله شد.

قیمت نیم‌سکه بهار آزادی با کاهش ۵۰۰ هزار تومانی به ۹۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید و قیمت ربع‌سکه هم با همین میزان کاهش نرخ، رقم ۵۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را ثبت کرد. در این میان سکه یک‌گرمی بدون تغییر قیمت با نرخ ۲۸ میلیون تومان معامله شد. کارشناسان بازار طلا معتقد هستند بازار طلا اکنون میان دو نیروی متضاد قرار گرفته است؛ از یک سو تنش‌های ژئوپلیتیکی که معمولاً به نفع دارایی‌های امن مثل طلا عمل می‌کنند و از سوی دیگر چشم‌انداز نرخ‌های بهره بالاتر که جذابیت این فلز گرانبها را کاهش می‌دهد؛ بنابراین در حال حاضر، معامله‌گران علاوه بر تحولات خاورمیانه، چشم‌انتظار تصمیمات بعدی فدرال‌رزرو هستند. برآورد بازارها نشان می‌دهد احتمال افزایش نرخ بهره آمریکا تا پایان سال به حدود ۲۲ درصد رسیده است؛ موضوعی که می‌تواند همچنان بر روند قیمت طلا در ماه‌های آینده اثرگذار باشد.

حقیقی از بازار ثبت شد. این موضوع نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران خرد در واکنش به افزایش ریسک‌ها و نوسانات، تصمیم به کاهش ریسک گرفته‌اند. در عین حال حجم بالای معاملات نشان داد بازار در حال یک انتقال جدی نقدینگی میان گروه‌های مختلف است. هرچند در شرایط فعلی همچنان کفه عرضه سنگین‌تر از تقاضا باقی مانده است. اگرچه بازار سرمایه نسبت به احتمال جنگ دوباره واکنش شوک‌آمیزی نشان نداد، اما بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان بازار بر این باور هستند تا زمانی که در وضعیت اقتصاد کلان کشور نااطمینانی وجود دارد و شرایط سیاست خارجی و جنگ میهم باشد، نمی‌توان به رشد و بهبودی اقتصاد کشور امیدوار بود حتی اگر دولت در بازار مداخله و شاخص رورکردشکی کند. در بازار ارز و طلا هم معامله‌گران واکنش چندانی به نقض آتش‌بس نشان ندادند و قیمت اسکناس آمریکایی و طلا شوک تازه را تجربه نکرد. دیروز معامله‌گران چهارراه استانبول دلار را حداکثر با قیمت ۱۷۸ هزار و ۵۰۰ تومان معامله کردند و در ادامه قیمت به ۱۷۷ هزار تومان برگشت که این نرخ نسبت به قیمت دلار در روزهای پیش از نقض آتش‌بس تغییرات چندانی را به ثبت نرساند. بهای دلار در دو روز پیش از نقض آتش‌بس بین نرخ‌های ۱۷۵ تا ۱۷۶ هزار تومان در نوسان بود.

این ارقام افزایش قیمت دلار در شرایطی است که بازار ارز پیش از این رکورد‌های قابل توجهی از قیمت اسکناس آمریکایی به ثبت رسانده بود و بهای دلار در مقاطعی به ۱۹۲ هزار تومان رسید. آتش‌بس جنگ ۴۰ روزه نسب افزایش قیمت دلار را کاهش داد و بهای این ارز به کانال ۱۶۰ و ۱۷۰ هزار تومان ریزش کرد. معامله‌گران بازار ارز می‌گویند با وقوع حملات ایران و اسرائیل به یکدیگر، حجم معاملات در بازار ارز تهران صعودی شد، اما معامله‌گران انتظار نداشتند که این درگیری‌ها طولانی شود و اظهارات رئیس‌جمهوری آمریکا هم بر این خوش‌بینی صحنه گذاشت و همین عامل این خوش‌بینی و احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و آمریکا در میان معامله‌گران به حدی است که دلار حتی کانال قیمت عوض نکرد و همچنان در رکورد قیمت ۱۷۰ هزار تومان معامله شد.

در بازار طلا، اما بهای طلای جهانی همچنان روند نزولی خود را حفظ کرد و به اخیر تبادل آتش بین ایران و اسرائیل واکنش خاصی نشان نداد. دیروز قیمت جهانی طلا در آغاز معاملات هفته جهانی با ادامه روند نزولی خود به

بازگشایی بازار سرمایه در شرایط جنگ و آتش‌بس ناپایدار اشتباه است و به معامله‌گران سیگنال نااطمینانی می‌دهد. هرچند شماری از کارشناسان هم اعتقاد داشتند که مداخله بیش از حد دولت در این زمینه اشتباه است و بازار حتماً باید بازگشایی می‌شد. با این تفاسیر بازار سرمایه راه خود را رفت و رکورد‌های پیشین خود را پس گرفت و تقریباً در تمام مدت پس از بازگشایی بازار رشد شاخص را ثبت کرد. در روز دوشنبه و با شکست آتش‌بس بورس در حالی نزولی شد که پیش از آن در ۱۳ روز به صورت بی‌وقفه صعود را به ثبت رسانده بود.

بازار سرمایه در روز یکشنبه ۱۷ خرداد رشد قابل توجه ۱۰۱ هزار واحدی را پشت سر گذاشت و به تراز چهار میلیون و ۴۹۲ هزار واحد رسید؛ عددی که در نوع خود یک رکورد تاریخی برای بازار سرمایه به شمار می‌آید، اما زمان اوج‌گیری شاخص بورس بسیار کوتاه بود و در روز دوشنبه بازار با ریزش شاخص مواجه شد. پس از جنگ ۴۰ روزه و برقراری آتش‌بس، اسرائیل حملات شدیدی را به جنوب لبنان و ضاحیه انجام داد و مقر حزب‌الله را بمباران کرد. در واکنش به این اتفاق، ایران حملاتی موشکی را به اسرائیل آغاز کرد که زمان برقراری آتش‌بس بی‌سابقه بود. اسرائیل نیز در پاسخ به این حملات، نقاطی از کشور و از جمله پتروشیمی کارون را هدف حمله قرار داد. بازار سرمایه در واکنش به این حملات و نقض آتش‌بس در روز دوشنبه ۱۸ خرداد نزولی شد و شاخص کل بورس با افت حدود ۶۸ هزار واحدی به سطح چهار میلیون و ۴۲۶ هزار واحد عقب‌نشینی کرد. کاهش معادل ۱۵ درصد، آن هم در شرایطی که شاخص کل، روز یکشنبه تا آستانه شکست سقف تاریخی پیش رفته بود. در روز دوشنبه شاخص کل هم‌وزن نیز هسو با نمانگر کرد با وجود آمادگی طرفین برای اعمال یک میلیون و ۱۸۸ هزار و ۱۴۷ واحد ایستاد. افت ۱.۳ درصدی این شاخص نشان می‌دهد فشار فروش تنها محدود به نمادهای شاخص‌ساز نبوده و بخش گسترده‌ای از بازار درگیر روند نزولی شد.

در معاملات دیروز بازار حدود ۷۹ درصد نمادهای در محدوده منفی قرار گرفتند و نقشه بازار رنگ سرخ به خود گرفت. در کنار افت شاخص‌ها، بازار شاهد جابه‌جایی قابل توجه نقدینگی بود. ارزش معاملات خرد به حدود ۳۷ هزار و ۳۴۰ میلیارد تومان رسید؛ همچنین حجم معاملات نیز با ثبت ۵۶ میلیارد برگه سهم، نشان‌دهنده تحرک بالای معامله‌گران در سمت خرید و فروش است. دیروز همچنین خروج شش هزار و ۹۲۳ میلیارد تومان پول

بورس تهران پس از گذشت ۸۰ روز از آغاز جنگ سرانجام روز ۲۹ اردیبهشت بازگشایی شد؛ گشایش بازار سرمایه پس از تردید، و اما و اگر فراوان رخ داد، آن هم در شرایطی که سازمان بورس تصمیم گرفت ۴۲ نماد همچنان بسته بماند.

اقتصاد ۲۴- تبادل آتش بین ایران و اسرائیل بازارهای تهران را شوکه نکرد؛ معامله‌گران بازارهای تهران می‌گویند که نسبت به انجام توافق بین ایران و آمریکا خوش‌بین هستند و دست‌کم انتظار ندارند که به‌زودی آمریکا و اسرائیل جنگ سسوم را علیه ایران آغاز کنند. این انتظار معامله‌گران سبب شد که بازار سرمایه که پس از جنگ ۴۰ روزه رکورد‌های تاریخی رشد شاخص را به ثبت رسانده بود، با ریزش سنگین مواجه نشود و قیمت دلار نوسان محدودی را تجربه کند. در این میان بازار طلا، اما برخلاف انتظارها عقبگرد قیمت را تجربه کرد.

بورس تهران پس از گذشت ۸۰ روز از آغاز جنگ سرانجام روز ۲۹ اردیبهشت بازگشایی شد؛ گشایش بازار سرمایه پس از تردید، و اما و اگر فراوان رخ داد، آن هم در شرایطی که سازمان بورس تصمیم گرفت ۴۲ نماد همچنان بسته بماند؛ نمادهایی که حدود ۲۵ درصد ارزش بازار را تشکیل می‌دادند و البته شامل صنایع بزرگی می‌شوند که در جنگ خسارت دیده‌اند. با این حال بازگشایی بازار با رشد شاخص و سیزپوشی تالار رخ داد و سازمان بورس تأکید کرد که بسته‌های حمایتی فراوانی برای سهامداران خرد در نظر گرفته است. در همین زمینه حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس، اعلام کرد دولت ابزارهایی برای کاهش ریسک معاملات در نظر گرفته است و بنا دارد به سهامداران بورس تسهیلات ۲۰۰ میلیون تومانی با پشتوانه سهام پرداخت کند یا طرح بیمه سهام با نرخ تضمین ۳۰ درصد را از روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ اجرا کرده است.

او همچنین به نقش ناشران و هلدینگ‌های بزرگ در حمایت از بازار سهام اشاره کرده و گفته بود: سازمان بورس مکاتبات و هماهنگی‌های لازم را با وزارتخانه‌ها و سهامداران عمده انجام داده است تا نقش حمایتی خود را از سهامداران خرد پررنگ‌تر ایفا کنند. گذشته از این، رئیس سازمان بورس از تقویت منابع صندوق‌های حمایتی بازار گفته و توضیح داده بود که جلسه هیئت امنای صندوق تثبیت هم برای افزایش منابع این صندوق برگزار شده است.

با این حال شمار زیادی از فعالان و کارشناسان بورس معتقد بودند

چند ساعت پس از آغاز موج نخست حملات موشکی ایران، ارتش اسرائیل اجرای عملیات تلافی‌جویانه علیه اهدافی در داخل خاک ایران را آغاز کرد؛ حملاتی که از بمبارد دوشنبه وارد مرحله عملیاتی شد و تا ساعات بعد ادامه یافت.

تحولات ۲۴ ساعت گذشته میان ایران و اسرائیل بار دیگر نشان داد فاصله میان واقعیت میدانی و فضای دیپلماتیک تا چه اندازه می‌تواند عمیق و تعیین‌کننده باشد. در حالی که طی هفته‌های اخیر نشانه‌هایی از پیشرفت در مسیر گفت‌وگوها غیرمستقیم تهران و واشینگتن و تلاش میانجی‌ها برای دستیابی به نوعی تفاهم سیاسی دیده می‌شد، اما رخدادهای شامگاه یکشنبه تا بعدازظهر دوشنبه ثابت کرد حتی در اوج خوش‌بینی‌های دیپلماتیک یک حد کف تاریخی با اقدام نظامی قادر است معادلات را به‌سرعت دگرگون کند و بازیگران را به سمت گزینه‌های سخت سوق دهد. حملات متقابل اخیر مؤید این واقعیت است که روند دیپلماسی همچنان بر بستری شکننده حرکت می‌کند و هر لحظه امکان برهم‌خوردن توازن موجود وجود دارد.

با این حال، فراتر دیگری نیز از این تحولات قابل ارائه است. هرچند فضای منطقه مستعد انفجار و تشدید تنش به نظر می‌رسد، اما رفتار طرفین نشان می‌دهد نوعی «تنش کنترل‌شده» زیر سقف جنگ «همچنان در دستور کار قرار دارد. در همین باره از یک سو ایران با انجام حملات موشکی تلاش کرد پیام بازدارندگی خود را منتقل کند و از سوی دیگر گزارش‌ها از تلاش واشینگتن برای جلوگیری از گسترش دامنه درگیری و مهار واکنش اسرائیل حکایت داشت. در نهایت نیز اعلام توقف عملیات از سوی قرارگاه خاتم‌الانبیا و متعاقب آن سخن گفتن اسرائیل از توقف عملیات، این فرضیه را تقویت کرد که هیچ‌یک از طرفین فعلاً خواهان فروپاشی کامل آتش‌بسی نیستند که اکنون وارد شصت‌وسومین روز خود شده است، به بیان دیگر، هرچند به تناوب شاهد

نقش ایران در بازدارندگی منطقه‌ای پررنگ‌تر شد

آتش‌بس شکننده یا شروع یک نظم جدید؟

با فعال‌شدن اژدهای اشرافی، رسانه‌های اسرائیلی مختلف سرزمین‌های اشغالی، رسانه‌های اسرائیلی از شلیک موشک‌های بالستیک از سوی ایران خبر دادند. منابع مختلف از اصابت برخی موشک‌ها به مناطق حساس و شنیده‌شدن صدای انفجار در تل‌آویو، بیت‌المقدس و دیگر مناطق خبر دادند. در همان ساعات، تحلیلگران منطقه‌ای این اقدام را فراتر از یک پاسخ متعارف ارزیابی کردند؛ چراکه برای نخستین بار ایران به‌صراحت اعلام کرد حملات اسرائیل به لبنان نیز می‌تواند با پاسخ مستقیم تهران مواجه شود. در ادامه، حملات بمبارد دوشنبه اسرائیل به نقاطی از ایران موجب شد صبح دیروز سپاه پاسداران با انتشار بیانیه‌ای از آغاز «عملیات نصر» خبر دهد و اعلام کرد پایگاه‌های راهبردی نیروی هوایی در لبنان هدف قرار گرفته‌اند. در این بیانیه تأکید شد عملیات در پاسخ به حملات اسرائیل علیه برخی سایت‌های پیش‌پیکر؛ کمپاینکه بسیاری از مواضع اعلامی لبنان، معادلات منطقه‌ای را در مسیر مطلوب خود هدایت کند؛ بنابراین اگرچه فعلاً تبادل مستقیم ضربات میان تهران و تل‌آویو متوقف شده، اما احتمال تشدید تنش در جبهه لبنان بیش از هر زمان دیگری قابل تصور است و این جبهه می‌تواند به میدان اصلی رقابت‌های آینده تبدیل شود.

شامگاه یکشنبه منطقه غرب آسیا شاهد یکی از مهم‌ترین تحولات نظامی ماه‌های اخیر بود؛ تحولی که با حملات موشکی ایران علیه اهدافی در سرزمین‌های اشغالی آغاز شد و به‌سرعت به مهم‌ترین خبر منطقه تبدیل شد. این عملیات در شرایطی انجام شد که طی هفته‌های گذشته بحث آتش‌بس و تلاش برای تثبیت آرامش نسبی در منطقه مطرح بود، اما حملات روز یکشنبه اسرائیل به لبنان و به‌ویژه ضاحیه جنوبی بیروت، معادلات را وارد مرحله جدیدی کرد. نخستین موج حملات ایران در ساعات پایانی یکشنبه آغاز شد. هم‌زمان

با پاسخ‌ها در صورت تداوم تجاوزات تأکید کردند. سرانجام بعدازظهر دوشنبه، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد عملیات نیروهای مسلح متوقف می‌شود. در این بیانیه ضمن تأکید بر موفقیت حملات انجام‌شده، هشدار داده شد هرگونه تداوم تجاوزات به‌ویژه در جنوب لبنان با پاسخ‌های شدیدتر مواجه خواهد شد. این بیانیه عملاً نقطه پایان مرحله فعلی عملیات ایران بود و مسیر را برای کاهش تنش در ساعات بعدی هموار کرد. چند ساعت پس از آغاز موج نخست حملات موشکی ایران، ارتش اسرائیل اجرای عملیات تلافی‌جویانه علیه اهدافی در داخل خاک ایران را آغاز کرد؛ حملاتی که از بمبارد دوشنبه وارد مرحله عملیاتی شد و تا ساعات بعد ادامه گرفت. در این بیانیه تأکید شد عملیات در پاسخ به حملات اسرائیل علیه برخی سایت‌های راهبردی نیروی هوایی این کشور قرار گرفته‌اند. در این بیانیه تأکید شد عملیات در پاسخ به حملات اسرائیل علیه برخی سایت‌های راهبردی نیروی هوایی این کشور قرار گرفته‌اند. در این بیانیه تأکید شد عملیات در پاسخ به حملات اسرائیل علیه برخی سایت‌های راهبردی نیروی هوایی این کشور قرار گرفته‌اند. در این بیانیه تأکید شد عملیات در پاسخ به حملات اسرائیل علیه برخی سایت‌های راهبردی نیروی هوایی این کشور قرار گرفته‌اند.

ماجرای عدد بحث برانگیز ۱۸ میلیون مجرد در ایران؛ کارشناسان درباره صحت و دقت آن چه می گویند؟

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در اظهاراتی اعلام کرده است که مجموع افراد «هرگز ازدواج نکرده» در کشور به حدود ۱۸٫۸ میلیون نفر رسیده است.

کرده است که «مجموع مجردین هرگز ازدواج نکرده کشور ۱۸ میلیون و ۷۷۵ هزار و ۴۵۲ نفر است». این عدد در فضای رسانه‌ای بازتاب گسترده‌ای پیدا کرده و حتی در برخی روایت‌ها به عنوان نشانه‌ای از پحران ازدواج در کشور مطرح شده است. اما آیا این عدد دقیقا همان چیزی را نشان می‌دهد که در نگاه اول به نظر می‌رسد؟

بررسی اظهارات مسئولان و گفت‌وگو با شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس، نشان می‌دهد اصل عدد اعلام‌شده لزوما نادرست نیست، اما نحوه ارائه آن می‌تواند تصویری اغراق‌آمیز از وضعیت مجرد در کشور ایجاد کند.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در اظهاراتی اعلام کرده است که مجموع افراد «هرگز ازدواج نکرده» در کشور به حدود ۱۸٫۸ میلیون نفر رسیده است. او همچنین در بخش دیگری از اظهارات خود گفته بود تعداد افراد در معرض ازدواج شامل افراد هرگز ازدواج نکرده، مطلقه و بی‌همسر بر اثر فوت همسر، از حدود ۱۲٫۶ میلیون نفر در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۴۰۴ رسیده است.

در نگاه نخست، عدد ۱۸ میلیون نفر این تصور را ایجاد می‌کند که کشور با جمعیت بسیار بزرگی از مجردها مواجه است که امکان ازدواج نیافته‌اند. اما جمعیت‌شناسان معتقدند برای فهم این آمار باید به نحوه محاسبه آن توجه کرد. شهلا کاظمی‌پور با استناد به داده‌های سازمان ثبت احوال می‌گوید آمار رسمی زنان ۱۵ ساله و بیشتر که هرگز ازدواج نکرده‌اند در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده است. به گفته او، این آمار از جمله آمارهای قابل اتکاست؛ زیرا اطلاعات شغل خود را از ازدواج و طلاق به صورت ثبتی در کشور ثبت می‌شود و برخلاف برخی برآوردهای جمعیتی، مبتنی بر داده‌های واقعی ثبت احوال است. کاظمی‌پور در عین حال تأکید می‌کند که درباره عدد ۱۸ میلیون نفری باید مشخص باشد دامنه سنی و ترکیب جنسیتی افراد چگونه محاسبه شده است.

بیمه‌بیکاری به بن بست خورد؛ بیکارشدگان اسفند همچنان منتظر واریز

رحمتی تأکید کرد: اطلاعات فعالان تشکل‌های کارگری نیز محدود است، اما آنچه مشاهده شده نشان می‌دهد افرادی که در اسفند و فروردین برای دریافت مقرری ثبت‌نام کرده و در فهرست دریافت‌کنندگان قرار گرفته‌اند، هنوز پس از گذشت سه ماه هیچ مبلغی دریافت نکرده‌اند.

در سایر استان‌های کشور نیز گزارش‌ها از شرایط مشابه حکایت دارد. عبدالعلی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز، اعلام کرد که در میان متقاضیان بیمه بیکاری در دوره جنگ و پس از آن، فردی را ندیده که مقرری دریافت کرده باشد. با این حال، مدیرکل تأمین اجتماعی استان اعلام کرده که از میان چهار هزار متقاضی جدید بیمه بیکاری پس از جنگ در قزوین، دست‌کم ۵۰ درصد در حال دریافت مقرری هستند.

وی افزود که به نظر می‌رسد تفاوت قابل توجهی میان آمار بیکاران و آمار متقاضیان بیمه بیکاری وجود داشته باشد و دریافت‌کنندگان مقرری تنها بخش محدودی از این جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که دریافت بیمه بیکاری حق قانونی آنها محسوب می‌شود.

مجتبی حاجی‌زاده، دبیر اجرایی خانه کارگر آران و بیدگل نیز با اشاره به وضعیت مشابه در شهرستان‌ها گفت، در منطقه تحت پوشش او، هیچ موردی مشاهده نشده که فردی پس از ثبت‌نام در اسفند یا فروردین، مقرری خود را دریافت کرده باشد. وی تأکید کرد این تأخیر در اغلب شهرها و استان‌ها وجود دارد و اگر مسئولی ادعای دیگری دارد، باید به‌صورت شفاف توضیح دهد.

حاجی‌زاده همچنین اظهار کرد برخی واحدهایی که پیش از این تنها برای ۱۵ روز در ماه حق بیمه کارگران را پرداخت می‌کردند و مانع ورود آنان به چرخه بیمه بیکاری می‌شدند، اکنون با کاهش منابع مواجه شده‌اند و به‌تدریج کارگران خود را به بیمه بیکاری معرفی می‌کنند. به گفته او، اضافه شدن این افراد به متقاضیان قبلی می‌تواند تعداد متقاضیان صندوق بیمه بیکاری را به سرعت به یک میلیون نفر برساند.

وی در ادامه به برخی اخبار غیررسمی اشاره کرد که بر اساس آنها نخستین مقرری متقاضیان اسفند و فروردین ممکن است در پایان تیرماه پرداخت شود. با این‌حال، طولانی بودن فرآیند ثبت‌نام و رفت‌وآمد پرورنده‌ها میان پیشخوان دولت و سامانه جامع روابط کار را نشانه‌ای از کمبود منابع تأمین اجتماعی و صندوق بیمه بیکاری دانست.

در برخی مناطق کشور، بخشی از متقاضیان موفق به دریافت نخستین مقرری خود شده‌اند. غلامرضا طالب‌ا، دبیر اجرایی خانه کارگر استان گلستان، با اشاره به اینکه این استان آسیب صنعتی مستقیمی از

در هفته‌های اخیر اخباری درباره تأخیر در واریز مقرری بیمه بیکاری منتشر شد که موجب نگرانی جامعه کارگری و به‌ویژه انبوه متقاضیان این مقرری شد؛ متقاضیانی که بر اساس برخی برآوردها تعداد آنها بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر عنوان می‌شود.

در حالی که موج اصلی متقاضیان بیمه بیکاری که در ماه‌های اسفند و فروردین تمامی مراحل اداری دریافت مقرری را پشت سر گذاشته و پیامک نهایی ارسال پرورنده به شعب تأمین اجتماعی را دریافت کرده‌اند، انتظار داشتند تا امروز نخستین مقرری خود را دریافت کنند، هنوز پرداختی به بخش قابل توجهی از آنها انجام نشده است. این تأخیر که نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان جامعه کارگری ایجاد کرده، در شرایطی رخ می‌دهد که گزارش‌های میدانی از فاصله قابل توجه میان ثبت‌نام نهایی و دریافت مقرری حکایت دارد و برخی فعالان کارگری نیز نسبت به کمبود منابع صندوق بیمه بیکاری و احتمال تداوم این روند هشدار می‌دهند.

در هفته‌های اخیر اخباری درباره تأخیر در واریز مقرری بیمه بیکاری منتشر شد که موجب نگرانی جامعه کارگری و به‌ویژه انبوه متقاضیان این مقرری شد؛ متقاضیانی که بر اساس برخی برآوردها تعداد آنها بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر عنوان می‌شود.

با وجود انتشار این اخبار، تاکنون مقامات سازمان تأمین اجتماعی و دولت واکنش رسمی نسبت به آن نداشته‌اند. با این حال، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد فاصله زمانی میان ثبت‌نام نهایی و دریافت مقرری بسیار طولانی شده است؛ به‌گونه‌ای که گزارش‌ها حاکی از آن است که حتی برخی بیکارشدگان اسفندماه نیز هنوز نخستین مقرری خود را دریافت نکرده‌اند. بخشی از این افراد پیامک نهایی را در فروردین‌ماه و گروهی دیگر در ابتدای اردیبهشت دریافت کرده‌اند.

در چنین شرایطی، این احتمال مطرح شده که پرداخت مقرری‌ها به‌تدریج از نیمه تابستان آغاز شود؛ موضوعی که به معنای بیش از سه ماه تأخیر در پرداخت مقرری بیمه بیکاری خواهد بود. مجید رحمتی، عضو هیأت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار تهران، درباره شایعات مطرح‌شده پیرامون پرداخت نشدن مقرری بیمه بیکاری اظهار کرد: واقعیت این است که نه مدیران استانی تأمین اجتماعی و نه مدیران ادارات کار شهرستان‌ها اطلاع دقیقی از وضعیت کلی پرداخت مقرری‌های بیمه بیکاری ندارند و به همین دلیل در ارائه اطلاعات با احتیاط عمل می‌کنند. به گفته وی، آمارهای تجمعی تعداد متقاضیان و دریافت‌کنندگان مقرری در اختیار مدیران ستادی در پایتخت قرار دارد و این مسئولان باید در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند.

دلار بالاخره راه خود را پیدا می‌کند؟

پشت پرده پیامدهای تثبیت نرخ ارز

عمومی قیمت‌ها در داخل کشور سالانه ده‌ها درصد افزایش می‌یابد، ارزش پول ملی نیز به همان نسبت کاهش پیدا می‌کند.

نخستین تهدید سیاست تثبیت ارز، ایجاد تقاضای مازاد برای واردات است. نرخ ارز نیز مانند هر قیمت دیگری در اقتصاد عمل می‌کند. هنگامی که قیمت یک کالا پایین‌تر از سطح واقعی تعیین شود، تقاضا برای آن افزایش پیدا می‌کند. زمانی که دلار ارزان‌تر از نرخ تعادلی عرضه شود، واردات کالاهای خارجی جذاب‌تر خواهد شد و نیاز به ارز افزایش می‌یابد. در مقابل، صادرکنندگان انگیزه کمتری برای عرضه ارز خود خواهند داشت، زیرا مجبور می‌شوند درآمدهای ارزی خود را با نرخی پایین‌تر از ارزش واقعی بفروشند. نتیجه این فرآیند افزایش فشار بر منابع ارزی کشور و شکل‌گیری عدم تعادل در بازار ارز است.

دومین تهدید، فشرده شدن فنر ارزی و ایجاد زمینه برای جهش‌های شدیدتر در آینده است. یکی از استدلال‌های رایج طرفداران تثبیت ارزی این است که در دوره اجرای این سیاست بازار آرام بوده و جهش‌ها پس از کنل گذاشته شدن آن رخ داده است. اما این استدلال علت و معلول را با یکدیگر اشتباه می‌گیرد. جهش ارزی معمولا نتیجه پایان یافتن تسوان دولت برای دفاع از نرخ تثبیت‌شده است، نه نتیجه آزادسازی نرخ ارز. این اتفاق همان وضعیتی است که در آذرماه ۱۴۰۴ خود را نمایان کرد و سیاستگذاران ارزی را مجبور به گام برداشتن در راستای نزدیک کردن نرخ‌های ارز آزاد و رسمی به یکدیگر کرد. این وضعیت شبیه فردی است که

برای حفظ سطح زندگی خود تمام پس‌اندازهایش را خرج می‌کند و وقتی منابعش به پایان می‌رسد، در راستای نزدیک کردن نرخ‌های ارز آزاد و رسمی به یکدیگر کرد. این وضعیت شبیه فردی است که ناآشناوند، نه از زمانی که پس‌اندازها تمام شده‌اند. سومین تهدید، گسترش رانت و فساد است. هر جا که دو قیمت متفاوت برای یک کالا وجود داشته باشد، انگیزه کسب سود از اختلاف قیمت نیز شکل می‌گیرد. زمانی که دولت ارز را با نرخ بسیار پایین‌تر از بازار عرضه می‌کند، دسترسی به این ارز به یک امتیاز اقتصادی بزرگ تبدیل می‌شود.

فساد بزرگ جای دیش نمونه‌ای از این فسادهای متعدد است.

چهارمین تهدید، کاهش تاب‌آوری اقتصاد و فرسایش ذخایر ارزی است. دفاع از یک نرخ ارز تثبیت‌شده نیازمند عرضه مداوم ارز به بازار است. استفاده از این منابع برای حفظ یک نرخ غیرواقعی، تسوان اقتصاد را برای مواجهه با چالش‌های آینده کاهش می‌دهد و تاب‌آوری آن را تضعیف می‌کند. شاید مهم‌ترین اشکال در دیدگاه تثبیت‌گرایانه، برداشت نادرست از رابطه میان تورم و نرخ ارز باشد. در بسیاری از بحث‌های عمومی، افزایش نرخ ارز علت اصلی تورم معرفی می‌شود و از این گزاره نتیجه گرفته می‌شود که با تثبیت دلار می‌توان تورم را مهار کرد. بدون تردید در کوتاه‌مدت افزایش

می‌کنند.نمونه دیگر را می‌توان در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ مشاهده کرد. در این دو سال، تورم سالانه همچنان در سطوح بالای ۳۰ درصد باقی ماند، اما نرخ ارز برای دوره‌های نسبتا طولانی نوسان محدودی داشت. اگر نرخ ارز علت بنیادی تورم بود، انتظار می‌رفت تثبیت نسبی آن به کاهش محسوس تورم منجر شود. اما چنین اتفاقی رخ نداد و رشد قیمت‌ها ادامه یافت. این تجربه نشان می‌دهد که ریشه اصلی تورم در ایران را باید در رشد نقدینگی، کسری بودجه و سیاست‌های پولی جست‌وجو کرد، نه صرفا در بازار ارز. در واقع تورم در ایران پدیده‌ای پولی است؛ هرچند نرخ ارز می‌تواند در کوتاه‌مدت بر شدت اثر بگذارد. ثبت پایدار ارزی از مسیر تثبیت دستوری نرخ دلار حاصل نمی‌شود.

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران



سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

موضوع مناقصه : تعمیرات اساسی خودروهای آتش نشانی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس شماره مناقصه ۱۴۰۵/۰۵

نوع مناقصه	مناقصه عمومی یک مرحله ای
نام و نشانی مناقصه گزار	سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس - استان بوشهر، علویبه، ساختمان همایش های خلیج فارس
مبلغ تقریبی برآورد اولیه	۸۹۹.۴۲۲.۲۴۴.۷۲۴ ریال
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	ضمانتنامه بانکی یا وجه نقد به میزان ۳۵۰.۸۸.۴۴۴.۸۹۴ ریال (که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه گزار بوده و پس از تایید در مرحله ارزیابی کیفی بایستی همزمان با تحویل پیشنهادها ارائه گردد.)
شرایط شرکت در مناقصه	شرکت های تولید کننده خودروهای آتش نشانی دارای پروانه بهره برداری و تولید از وزارت صمت یا تأمین کننده خودروهای آتش نشانی دارای نمایندگی رسمی
نحوه دریافت استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران	از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir
آخرین مهلت اخذ فرم های استعلام ارزیابی کیفی از سامانه ستاد	متعاقبا از طریق سامانه ستاد اعلام می گردد.
آخرین مهلت بازگاری مدارک و مستندات در سامانه ستاد	متعاقبا از طریق سامانه ستاد اعلام می گردد.
تلفن کمیسیون مناقصات	۰۷۷۳۱۲۷۲۱۵۰ -۴ نمابر : ۰۷۷۳۱۲۷۲۱۵۵

توجه: امکان تغییر در زمان و مهلت های تعیین شده وجود دارد. در صورت انجام هرگونه تغییر، مراتب از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به مناقصه گران اطلاع رسانی خواهد گردید.

تاریخ انتشار اول : ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار دوم : ۱۴۰۵/۰۳/۲۳

شناسه آگهی : ۲۲۰۳۶۵۸

از همه بروزتر باشید

www.rahemardomonline.ir